دستور/زبان

گرامر

روز

احوالپرسی

نفقه

ما

شما

تو

من

فراخوان

آنها

ایشان

حیله

او

قرار/بودن

چطور

کالا

چه

بودن

چی

سلام

درود

عالی

خوب

گفتگو

صحبت\کردن

نوشتن

خوشحال

شاد

غمگین

ناراحت

معنی

دانشجو

مثال

کلاس

رایج

جمله

منع

خبر

ضبط/شدن

بخیر

صبح

عصر\بخیر

خواهش\کردن

مرسی

ملکی

خیلی

بسیار

ممنون

اصطلاح

فرار\کردن

گریختن

خواندن

صفت

قید

مهندس

استاد

پزشک

دیدن

را/رو/و

به

با

شب

حال/ساده

دختر

فردا

از

و

حال/التزامی

حال/استمراری

آن

گذشته/دور

آب

ضمیر

آتش

حرف/اضافه

بله

گذشته/استمراری

نه

این

مصدر

فعل/آینده

زن

مرد

گذشته/ساده

مردم

تفاوت

مفعول

افراد

صرف

فرد

آدم

آدما

انسان

انسانیت

فاعل

دیروز

بد

مشترک

فعل

وام

واژه

سوار

شیوه

خرجین

ظهر

وقت

زمان

امروز

امشب

پسر

کودک

فرزند

اولاد

نوادگان

جد

اجداد

بزرگ

کوچک

ترین

خانه

دکتر

حاکم

سلطه

توانستن

حرف

حرف\زدن

گپ\زدن

زدن

آیا

کم

مدت

فارسی

ایران

کشور

ولایت

استان

حکومت

سال

کار

حرفه

داشتن

کیف

کتاب

مداد

یعنی

ماشین

موتر

خودرو

خود

معنا

کشتن

انتحار

انصاف

انفجار

انفجاری

حریم\هوایی

مواظب

مراقب

ورود

خروج

اول

هرگز

اشکالی

خداحافظ

هیچوقت

دوزخ

بهشت

جنت

جهنم

داستان

اسم

نام

گذشته/نقلی

حاضر

غایب

صندلی

میز

کلمه

کلمات

جدید

نو

در

چوکی

همه

تمام

چیز

چیزی

خودکفا

آنجا

اینجا

گفتن

درگیری

بالا

بیرون

خارج

خارجی

شدن

حال

خودکار

قلم

گزشته

کی

بخت

خوشبخت

بدبخت

شانس

ایده

انگاره

خوردن

نیرو

مرز

حد

سرحد

فروختن

درازا

فامیلی

نام\خانوادگی

توجه

متوجه

طول

پرسیدن

حالت

فشار

کشیدن

چقدر

قبر

آرام

آرامگاه

گور

گورستان

گیج

عجله

خواهر

برادر

زندگی

آمریکا

رفتن

ماندن

بعضی

جهان

دنیا

زشت

پشت

اکنون

کنون

الان

حالا

هفته

سر

قیمت

جمعه

دوست

باید

شاید

سفر

قشنگ

نزدیک

شماره

راه

دور

پلیس

سخت

مترادف

متضاد

اضافه\کردن

بچه

چند

تا

سمت

دانستن

استعمال

دخانیات

استعداد

هوش

مجموعه

مصنوعی

کارت

پدر

مادر

پدربزرگ

مادربزرگ

خاله

دایی

عمو

عمه

عضو

اعضا

عروسی

چرا

آره

عروس

خیر

عبارت

ریاضی

ماه\عسل

ساقدوش

کله

نادان

احمق

پایین

نیز

زیر

آخر

شوهر

فهمیدن

نان

داماد

دانشگاه

برادرزاده

عدد

ماه

یخ

یاد\گرفتن

نوه

خواهرزاده

هوا

آرزو

کس

کسی

هیچکس

ازدواج

طلاق

مراسم

مردن

بیوه

پسرخاله

متاهل

مجرد

دفتر

همراه

نامزد

تنها

تنهایی

گرفتن

خانواده

صبحانه

ناهار

شام

سریع

فوری

آمدن

خوشتیپ

خوشگل

کجا

برای

پیر

بازی\کردن

نگاه\کردن

جوان

متولد\شدن

نوزاد

بزرگ\شدن

سن

روی

بر

شستن

مکان

تمیز\کردن

ترش

چشیدن

جواب

دادن

دست

دستمال

کمد

لباس

تلخ

شیرین

عروسک

ظرف

آینه

نقش

فقط

یقین

اطمینان

مطمئن

سید

طبق

احصائیه

طبقه

عشق

اشکوب

شکار\کردن

شکنجه

اهل

پیمان

آمار

صید

شکارچی

ماهی\گیری

قرارداد

زمین

ستاک\حال

شهر

ستاک\گذشته

آفغانستان

هند

تاجیکستان

ترکیه

فرانسه

روسیه

آلمان

انگلیس

تلفن

مشغول

مصروف

بند

بستن

بسته/بندی

تعطیلات

تعطیل

اقامت

شهروند

شهروندی

بیمارستان

شفا/خانه

روستا

هموطن

رئيس/جمهور

جمهوری

پرچم

سرود

وزیر

وزارت

آهنگ

خاطره

گردشگر

حرکت\کردن

دویدن

اتوبوس

مترو

پرده

مسافر

گذرنامه

دیوار

شناسنامه

شناختن

سفارتخانه

کوچه

آدرس

خیابان

مغازه

دکان

فروشگاه

خریدن

نشستن

بلیط

بلیت

تیکت

شغل

کامپیوتر

ساعت

خلبان

پرستار

کت

مدیر

حساب

حسابدار

احتمال

احتمالا

اصلا

لطفا

فورا

غالبا

معمولا

فرساختگی

مثلا

کاملا

کمال

واقعا

همکار

آشپز

هنر

هنرپیشه

کارگر

نویسنده

دستیار

نانوا

قصاب

کارمند

نجار

درمان

درمانگاه

بعد

قبل

پس

غزل

یکدیگر

شرکت

الکترونیک

با\هم

هم

اما

چون

ولی

بخاطر

حقوق

بشر

بشردوست

بشردوستی

وطندوستی

وطندوست

پرداخت/کردن

پرداختن

سالن

تالار

فهرست

کارخانه

اداره

برق

سازمان

منشی

هزینه

اخراج/کردن

استخدام/کردن

کلاه

تعیین/کردن

ملاقات/کردن

تاخیر

دستور/دادن

افتادن

خسته

نوشیدنی

انتظار

داد/زدن

نگه/داشتن

عصبانی

خطرناک

احتیاط/کردن

نامه

تولید

میان

گریان

خشم

خشمگین

جالب

چای

مثبت

منفی

تاثیر

درس

غذا

خوراک

با/همدیگر

بانک

بانکدار

آرایشگاه/ی/مردانه

آرااسشگاه/ی/زنانه

آرایشگر

سرآشپز

رقص

رقاص

دندانپزشک

وکیل

موسیقیدان

روزنامه

روزنامه/نگار

مترجم

ترجمه/کردن

ترجمان

مهم

متاسف

متاسفانه

خوشبختانه

لطف

منظور

مقصد

قصد

معذرت

تقصیر

خیال/کردن

تصور/کردن

تصویر

منتظر

زنگ

گوش

آماده

توصیف/کردن

زود

مخابرات

کشو

ماشین/حساب

پاکت/نامه

کاغذ

قیچی

گزارش

منطقه

منطق

جلسه

برنامه/ریزی

پذیرش

پذیرفتن

قبول/کردن

نفت

خام

اداره/ی/پست

مدرسه

مکتب

آموختن

دانش/آموز

دادگاه

فرودگاه

بازنشستگی

آرتش

موبایل

ایمیل

ستاندن

ستانش

برگشتن

امام

غصب

ستندن

روان

مصادره

طور

صورت

رخداد

رویداد

اتفاق/دادن

رخ/دادن

روی/دادن

آشوب

رنج

نفر

جمع

جامعه

جمعیت

نفوس

قاموس

گزارشگر

شمال

غرب

شرق

جنوب

قصه

رها/کردن

رها/شدن

توانا

توانایی

قابلیت

قابل

در/باره

جذب/کردن

غیاب

غیبت

مطلق

سوءاستفاده

دانشگاهی

سلسله‌مراتب

علمی

لهجه

قابل/قبول

دسترسی

تصادف

تصادفی

تصادفا

همراهی/کردن

دقیق

صحیح

گمیز

دقیقاً

اتهام

متهم/کردن

دست/یافتن

رسیدن

شاشیدن

دستاورد

اسید

یافتن

ریدن

مقبول

پیدا/کردن

عمل

اقدام

اقدام/کردن

فعال

فعالانه

کونی

فعالیت

واقعی

غیر/نظامی

تبلیغات

هم‌جنس‌گرا

در/واقع

سازگار/شدن

فاحشه

استعمار

نفس/کشیدن

سازگاری

افزودن

تن‌فروش

مظلوم

جانباز

بول

دوجنس‌گرا

سربازخانه

زن/ستیزی

روسپی

جنده

مستعمره

دگرجنس‌گرا

هم‌جنس‌گرایی

سکوت

تبعیض

جنسیت

استقرار

آبشار

اینهم

شاش

ورزشکار

کهنه/سرباز

تنظیم

ادرار

ظالم

مراحل

ستم

ورزشگاه

اژدها

حضور

مگر

مودار

هزینهدار

پایگان‎

سطح

مرحلهٔ

تحریف

کوچ

اختر

تصمیم/داشتن

ظلم

در/مورد

مخاطب

حتی

چراغ

والدین

تحریم

مدفوع

بسنده

توصیه/کردن

خطاب/کردن

بزرگسال

پیشرفت

اضافی

اثر

اثر/کردن/بر

برتری

امور

تبلیغ/کردن

ماجرا

امر

مشاوره

نصیحت

نشانی

منتشر/کردن

اگهی/دادن

فواید

مشورت

مفید

مدیریت

انتشار

مزیت

نصیحت/کردن

مصرف

ماجراجو

تحسین

محبت

ترسیدن

پسان

فایده

دستور/جلسه

پیش/رفتن

هواپیما

روش

زنده

پیش/روی

نگران

پرخاشگر

اتخاذ/کردن

الکل

بالغ

الکلی

موافق

عامل

بعدا

مأمور

هدف

دستگاه/هشدار

دوباره

در/برابر

توافق

کمک

به/علاوه

محدودیت

مقابل

ضد

عاملیت

بنگاه

طرح

روش/مصرف

به/اندازه/کافی

تحسین/کردن

بزرگسالی

حلقه

عاشق

ریشه‌شناسی

اعتراف/کردن

نصف

با/وجود

تحصیل

اینکه

بنده

هردو

تحمیل/کردن

سپاسگزارم

نمونه

فرزندپذیری

کنجه

میدان/هوایی

نمایشگاه

شکل

غلام

گنده

آلایش

ژنتیک

حکم

تبدیل/کردن

مثلث

آلودن

مردار

کثیف

پلید

بانگ

آلوده

انقدر

ضمنا

مهر

دستور/کار

دیوان

در/بخش

ترسیده

کافی

الفبایی

لبه

نگین

تغییر

عوض/کردن

تغییر/دادن

بازداشت

از/طرف/دیگر

معترض

گوشه

لبریز

جمجمه

باعث/شدن

خونریزی

قبلا

اعتراض/کردن

بر/اساس/حروف/الفبا

چندضلعی

ناقص

ریختن

جایگزینی

در/غیر/این/صورت

بند/پا

مربع

گوهر

دستگیر/کردن

اعتراض

اگرچه

ساق/پا

کنار

دگرگون/شدن

شگفت/انگيز

اعلام/کردن

متحد

همچنین

مات/کردن

اعلامیه

باستان

شگفت/زده/کردن

بیمار/کش

تقریبا

مچ/پا

همچنان

الفبا

قدیمی

سالگرد

زهدان‌راه

تجزیه/کردن

اسطوره‌شناسی

نیامه

تجزیه

خودسالاری

شیمی

زیست‌شناسی

روی/هم/رفته

انجام/دادن

خوا

یکه/سالاری

مقدار

زهراه

فرج

سرانجام

واژن

باستان‌شناسی

زبان‌شناسی

انسان‌شناسی

سرکوب

اسطوره

مهبل

کیمیا

انجامیدن

انجام

تحلیل

انتها

شارب

فرجام

ساختگی

سرگرم/کردن

سواد

فساد

جواهر

بروت

خیانت

سبیل

آمبولانس

رشوه

افسانه‌

تأسیس

بستگی/داشتن

تکلیف

خائن

در/میان

همیشه

سنگ‌نوشته

جعل

تورم

حیوان

دایره

چخماقی

با/صدای/بلند

کتیبه

همچو

سیف

چاپلوس

پشتیبان

بحی/کردن

شمشیر

در/اطراف

هویت

مستطیل

مجهز/کردن

کلنجار/رفتن

پیرامون

بازو

مخالفت

سر/و/کله/زدن

سالیانه

استدلال

مسلح/کردن

سلاح

عذاب

جعلی

کلنجار

سرک

سقا

تلاوت

کل

آزردن

تنفس/کردن

پیش/بینی/کردن

متحد/شدن

شوق

پیوستن

سالانه

مزاحم

کلکین

اجازه/دادن

مخالف

صرافی

تشویش

سوا/از

ظاهرا

نزدیک/شدن

استدلال/کردن

به/نظر/رسیدن

زادآوری

انتصاب

تقریب/زدن

تصویب/کردن

قدردانی

حاصل

احتیاج

تصویب

تایید/کردن

کاربرد

تقریبی

درک/کردن

ملاقات

مناسب

تولیدمثل

خداناباوری

تقدیر

تصرف

رویکرد

ظاهر/شدن

الحاد

گماشتن

حاصلخیزی

به/نظر/آمدن

منصوب/کردن

پدیدار/شدن

گماشت

کاشانه

درخواست/دادن

مضطرب

سیب

پوزش/خواستن

فرجام‌خواهی

درخواست

هر/شخصی

استیناف

هر/جا

اذیت/کردن

آپارتمان

هر/چیزی

به/هر/حال

اندیشناک

ظاهر

معذرت/خواستن

آشکار

اضطراب

دلشوره

جدا

جزئیات

دلواپس

در/هر/صورت

مشتاق

سرنوشت

افترا

بطوریکه

علیه

مانند

ماهیت

مقوله‌

مرتب/کردن

فلش

هنرمندانه

دوام/داشتن

ترتیب

وارد/شدن

هنری

خوابیدن

شرمسار

پیکانه

خوابیده

چنانکه

سازمند/کردن

ترتیب/دادن

تیر

دستیاری/کردن

هنگامیکه

خفته

جنبه

هنرمند

مساعدت/کردن

معاضدت

شرمنده

گذشته/از

یاری/کردن

اطمینان/دادن

فرض/کردن

بیمه/کردن

مقاله

امداد

ماده

اتم

اندروا

حمله/کردن

جوّ

هواسپهر

متخصص

حمله

اتمسفر

مقامات

مسئولین

بطور/خودکار

تلاش

موجود

تلاش/کردن

سعی/کردن

ناخودآگاه

نهاد

سهم

در/دسترس

کوشش/کردن

قدرت

ضمیمه/کردن

جذاب

اقتدار

هراس

استادانه

نفوذ

اختیار

باک

مزخرف

طرز

سهمگین

بیم

مربوط

معمولی

پیوست/کردن

الحاق

بی/دست/و/پا

ترس

جاذبه

متوسط

سفارش

اجتناب/کردن

میانگین

دوری‌گزین

بیدار

طفره/رفتن/از

جایزه

اعطا/کردن

سوگند

آگاه

نگرش

ترسناک

قول

ناخوشایند

قسم

پهلوان

ائتلاف

اتحادیه

سپردن

جانشین

مژده

انجمن

وابستگی

همبستگی

غریب

پرهیزیدن

از/یک/سو

مشارکت

بیمناک

تداعی

عجیب

از/بین/بردن

نمودار

بازگشت

حمایت/کردن

پس‌زمینه

بعقب

سابقه

جلو

زمینه

کودن

برعکس

پدافند

معکوس

وارونه

برخلاف

کول‌

کژدم

کیسه

باکتری

بار/و/بنه

ترازو

چمدان

توشه

تعادل

پختن

متعادل/کردن

توپ

توازن

موازنه/کردن

کوله‌

میزان/موازین

ممنوع/کردن

بانداژ

دستهء/موسیقی

میخانه

ممنوعیت

ارکستر

دسته

بند/و/زنجیر

اشکیل

باند

پیچیدن

نوار

تخت

رفتار

میکده

گروه/موسیقی

مانع

رفتار/كردن

میله

اساسی

تسمه

پاویون

جنگ

پایگاه

ریش

باتری

ساحل

زیبا

قرار/داشتن

پایه

حمام

خرید/ارزان

بسکتبال

معامله

زیبایی

به/سختی

منقار

کمربند

خرس

نوک

سد

نبرد

بنیانگذاری

اصلی

بر/اساس

مبنا/قرار/دادن

بنیاد

شاخابه

مبنا

باور

بیسبال

گرایش

وحشی

اساسا

اظهار

تحمل

خلیج

تمامیت

فرگرد

پرورش

والا

هنگام

گزاره

روانشناسی

روند

ابراز

بیان/کردن

ادعا

تمامیت/خواهی

تربیت

پرورشگاه

ارضی

ایدئولوژی

ضرب

تپش

بوزه

ضربان

نبض

احتمالات

سابقا

کتک/زدن

شکست/دادن

به/زیبایی

آغاز

اتاق/خواب

ابتدا

تاس

گوشت/گاو

شروع/کردن

پیشتر

عادی

آبجو

شروع

آغاز/کردن

مال/کسی/بودن

تعلق

از/طرف

مرامی

ایمان/داشتن

متعلق

نفع

خمیدگی

خماندن

فایده/بردن

پشت/سر

نفع/کسی/بودن

باور/کردن

فایده/رساندن

در/پایین

خم

منگیا

متعلق/بودَن

خمیدن

قمار

بهتر

دورتر

شرط

بین

شرط/بستن

پیشامد

انجام/گرفتن

برتر/از

بهترین

خارج/از

دوچرخه

ثابت/کردن

پیشنهاد

اجر

لایحه

روحانی

مزایده

پیشنهاد/کردن

قبض

پرنده

تولد

ذره

سیاه

اثباتِ

گاز

تکه

به/تلخی

ثبوت

مقصر

گزیدن

خون

گزش

آبی

کینه

جوشیدن

ملامت/کردن

پدیکور

کور

نیش

نابینا

جاسوس

گاز/گرفتن

اساسنامه

ماساژ

گاز/زدن

شبکه

فاشیسم

پاداش

دید

مانیکور

دیکوتومی

سرزنش/کردن

صفر

غل/و/زنجیر

صورت/حساب

جاسوسی

یاخته/بنیادی

سقوط

طاس

تیغه

دوگانه

بلوک

وخيم

یاخته

اغذیه

بور

ضربه

دمیدن

ترکیدن

تخته/پوش/کردن

قطعه

قرض/گرفتن

نخست‌وزیر

حراج

رزرو/کردن

طوفان

میز/غذا

قایق

توده

ثروتمند

ثروت

سوار/شدن

از/آنجایی/که

امانت/گرفتن

بکنار/کشتی/امدن

کشتی

اسنوبرد

اندام

وزیدن

رفیق

تخته

بدن

دوست‌پسر

شگا

کاسه

انسداد

هيئت/مدیره

فوت

ملال‌آور

بمباران/کردن

رابطه

ضربت

طلایی

مسدود/کردن

ملال/آوردن

بمب

کسل/کردن

کسل‌کننده

موزه

استخوان

خسته/کردن

رئیس

کسالت‌بار

باجرأت

نمانام

عذاب/دادن

زحمت/دادن

شعبه

شجاع

ممه

دروشم

شکاف

چکمه

آجر

بطری

هزار

موظف

مغز

بیلیون

ناچار

چسبیدن

پسوند

تریلیون

نهصد

مارک

تفریح/کردن

سینه

میلیارد

پیشوند

رزمنده

زیستگاه

دلیر

گونه

جنگجو

نژادهای/پرورشی

جعبه

هفتصد

مجبور

گویش

استراحت

همه‌فرستی

نژاد

رسانه

میلیون

شاخه

هشتصد

تولید/کردن

وقفه

مقید

عریض

رساندن

پراکنده/کردن

پروردن

پهناور

پل

همگانی

هوشمند

جفت/گیری/کردن

شکستن

پخش/کردن

پرورش/دادن

پخش/همگانی

برنامه

سخن/پراکنی

گسترده

روشن

تفریح

پستان

ششصد

با/استعداد

عمومی

سوسیالیسم

دنیاگرایی

چهارصد

کاپیتالیسم

سکولاریسم

نوع

صاحب

فدرالیسم

خودآیینی

بستگان

بدنیا/آوردن

در/این/اواخر

سیصد

ملک

باشنده

مختصر

حرامزاده

حلال/زادگی

عفو/عمومی

مقرر/شدن

حکایت

نژاد/دامی

جامعه‌خواهی

شهبانو

گیتی‌گرایی

میهن

ویژگی

مالک

خودمختاری

ملکه

سرمایه‌داری

دویست

جامعه‌گرایی

قهوه ای/کردن

برشتن

شانه/کردن

فرچه

قهوهای

برس/زدن

خاک/کردن

فرچه/کردن

شت

برشته/کردن

برس

تجارتخانه

مسواک/زدن

قلم/مو/زدن

ساختن

ساختمان

اهالی/کسب‌وکار

درختچه

کپل

شانه

گلوله

بوته

کسب‌وکار

حباب

مالکان/کسب‌وکار

بودجه

خریدار

دفن/کردن

پیشه

مقداری

دگمه

بازرگان

دکمه

سوختن

توسط

کابینت

قفسه

تاجر

سرین

کون

خوداشتغال‌

تکمه

حساب/کردن

فولاد

کره

گنجه

خودشاغل

نامیدن

سپاه

کمند

صدا

طناب‌

گیان

کیک

مثل/اینکه

پویش

فریاد

کمپ

لشکرگاه

اردو/زدن

بکسل

چادر/زدن

زنگ/زدن

لغو/کردن

سیما

رخصتی

کابل

سرطان

صدا/زدن

خیمه

آبنبات

مرخصی

همین

اردوگاه

پاسگاه

خودخوانده

کارزار

همجنس‌گراهراسی

محاسبه/کردن

گله

دوربین

شدنی

عملی

محتمل

تماس

مزد

بازجویی

فتح

دوگانگی

رژیم

بیگانه‌هراسی

دستمزد

استیلا

استنطاق

مستندسازی/کردن

سنت

تسخیر

قاچاق

کمپین

هیئت/دولت

پالیندروم

بازپرسی

طوطی

قاچاقچی

ظفر

تنب

معاش

کاسکت

سرپوش

لایق

ظرفیت

درپوش

حیاتی

کاپیتان

کلاهک

پایتخت

فرش

ناخدا

حرف/بزرگ

گنجایش

اهمیت/دادن

ورق

سرمایه

بازگیری

اسیر/کردن

مراقبت

اهمیت

سرپرستی

سروان

مواظبت

قلعه

انداختن

پرستاری

پشک

بازیگران

گربه

وضعیت

فشردن

وضع

علت

افشردن

لوح

دیسک

رده

قصر

مورد

کلات

دست/کشیدن

لوح/فشرده

افکندن

بی/توجه

هویج

ایستادن

متوقف/شدن

افگندن

بی/دقت

دژ

توقف

قالب

گواهی

سقف

پول/نقد

جشن/گرفتن

خاصی

معین/کردن

جشن

شهادتنامه

مطمئناً

قرن

قطعی

مرکز

قطعا

گوشی

سانتی‌متر

سده

مرکزی

گواهی‌نامه

زنجیر/کردن

طلبیدن

سرپیچی/کردن

صدر

چالش

محکمه

زنجیر

شهرستان

صنف

گلستان

به/اصطلاح

لبنیات

پیکر

دعوت/کردن

شرور

البته

نهان

سالار

ناگفته/نماند

مخفی

بمبارزه/طلبیدن

روبان

اختناق

خفگی

نهان‌فروشی

گلزار

خبرگزاری

مقیم

ساکن

گستاخ

شریر

اقلا

دِلاوَر

تظاهرات

اتاق

کانال

بدل

فصل

صدقه

خیراندیش

دنبال/کردن

مهربان

نیکوکاری

خیریه

خوشدل

شخصیت

نیکخواه

خیرات

تعقیب/کردن

خیرخواهی

کریم

عهده

بهزیستی

آبراهه

لپ

همدلی

مشخصه

شارژر

پر/کردن

هزینه/گرفتن

مفت

پول/خرد

پنیر

رفاه

خرد

فریب

حداقل

جدول

خدعه

رسم/کردن

رایگان

گپ

ترفند

نیرنگ

عشق‌بازی

خدعه/کردن

مکر

دغل

نقشه

کلاهبرداری

تقلب

بی‌وفایی

پلیدکاری

مرغ

جویدن

بشاش

مسرور

معاینه/کردن

بررسی

فریب/دادن

زنا

شیمیدان

آزمون

فریبکار

جوجه

ارزان

بررسی/کردن

پلیدکار

علامت

چک

سیب‌زمینی/سرخ‌کرده

تیک

طفولیت

مجانی

چانه

انتخاب

انتخاب/کردن

چیپس

بریدن

تراشیدن

عرض

بازداشتگاه

سیگار

شکلات

ممانعت

تراشه

کلیسا

ریز/ریز/کردن

تکه/کردن

فرنشین

مانع/شدن

رهبر

پاگیر/شدن

شریعت

فعلاً

بازداشتن

مهار

عریضه

فعلی

ارقام

طومار

اسیر/جنگی

خبرنگار

اعدام/کردن

رقم

مطالبه

قاب

مرتکب/شدن

ادعا/کردن

مدعی

اَثَر/ماندگار

مدنی

کار/جاویدان

معلوم

دعوی

کلاسیک

زمره

ماندگار

همانطور/که

شفاف

جاودان

باتون

واضح

گول

صاف

رسته

چنبه

کلیک

پوشاک

اقلیم

چوب

آب/و/هوا

قماش

قهوه

جامه

مشتری

بالا/رفتن

پارچه

ابر

صعود

خودم

انی

مربی

زغال‌سنگ

سرد

چماق

قانون

کد

سکه

گوی‌چال

رمبیدن

مودب

قریب

تنگ

جمع/کردن

فرو/ریختن

گوی‌

گلف

سرما

چال

کمیته

کالج

ارتباط

ترکیب

آنونس

کمیسیون

ستون

آموزشگاه

اسایش/دادن

نظر/دادن

راحتی

ترکیب/کردن

رنگ

دلداری/دادن

فرمان/فرامین

کمدی

راحت

آگهی/بازرگانی

فرمودن

کامنت

دادرسی

فرماندهی

تشبیه

تسلی

تفسیر

تقریظ

سرکردگی

توانگری

عموما

ارتباط/بر/قرار/کردن

آسایش

رقابت/کردن

تکاوری

مقایسه/کردن

سرسپردگی

نظر

مولفه

شکایت

تکمیل/کردن

مسابقه

رقابتی

تجاری

پیچیده

دانشکده

همنه

مسابقه/دادن

همراهی

تعهد

دلداری

شكايت/كردن

بومی

رقابت

کامل/کردن

جزء

پیچیده/کردن

ذهن

پارس/کردن

خرم

لاییدن

تعبیر

جاهل

عشایر

متمرکز/کردن

دوکارد

فرایند

مگه/نه

نظافت

تمرکز/دادن

مخفف

به/عنوان

نگرانی

مفهوم/مفاهیم

غلظت

علاقه

دلواپس/کردن

نتیجه/گرفتن

اهلی/کردن

تالی

سلوک

روزگار

ملموس

تناقض

کنسرت

بتن

نتیجه

کنفرانس

دستپاچه

روبرو/شدن

پادگویی

تضاد

هدایت

اعتماد

تعارض

اتصال

هوشیار

گیجی

تبریک

متصل/کردن

محافظه‌کار

دستپاچه/کردن

مواجه/شدن

در/نظر/گرفتن

کنگره

گیج/کردن

نامتناقض

تشکیل/شدن

سکالیدن

استوار

همفکر

ایجاد/کردن

مقابله/کردن

ساخت

شایان

ثابت

مشورت/کردن

شامل/بودن

اداره/کردن

ملاحظه

محسوب/کردن

قاره

در/زمینه

داخل

عمل/اوردن

محتوا

مصرف/كننده

جانورشناسی

معاصر

بدبو

خزنده

خاتمه/دادن

همدرد

تماس/گرفتن

دارا/بودن

صهیونیسم

پستاندار

گرگ

جانور

برابر/کردن

قرارداد/بستن

همکاری/و/کمک/کردن

ادامه/دادن

مستمر

کنترات/کردن

مداوم

مبتلا

بی‌وقفه

همکاری

هم/بخشی/کردن

کنتراست

مکالمه

عرفی

شمردن

سرفیدن

کنترل

شورا

متقاعد/کردن

اجلاس

خاله/زاده

دختر/عمه

سرفه/کردن

سرفه

کنترل/کردن

شجاعت

اموزه

دلیری

پوشاندن

طی/کردن

جرات

مسیر

مجمع

زوج

دوره

محدوده

پیشخوان

پنهان/کردن

شمارشگر

قانع/کردن

پوشش

ارزیدن

پیشتخته

اِصلاح

شمارنده

بیسکوئیت

کپی

رونوشت

حومه/شهر

کوکی

سرد/کردن

مجلس

پنبه

خنک/کردن

خنک

کلوچه

همدستی

ننگ

تصحیح/کردن

پچین

عرف

هسته

کنار/آمدن

مصالحه

کپیه/کردن

مماشات

سازش/کردن

دلجویی

نهادن

کلبه

سازوکار

صندوق

تبارز

چراگاه

چرت/و/پرت

بیرق

سلطه/گری

چراندن

پیامد

شر/و/ور

رونویسی/کردن

چرت

ضایع

چرند

کسشعر

تفاهم

نسخه

چریدن

ترک

تق/تق/کردن

صنعت‌گری

ترکانیدن

گاو

تصادم

ناگهانی

سقوط/کردن

خامه

درشت

کبیر

دیوانه

تق/تق

سرشیر

پیشه‌وری

ایجاد

بزهکار

آفریدن

مجنون

کرم

جنایت

کیفری

آفرینش

منتقد

جزایی

انتقاد

جنایتکار

بزه

انتقادی

معیار

صلیب

خلق/کردن

درست/کردن

اعتبار

انتقاد/کردن

افریده

جرم

چلیپا

بحران

کارت/اعتباری

خاج

تقاطع/کردن

عبور/کردن

ترد

دورگه/کردن

شلوغ

مجرم

دیهیم

پادشاهی

فرهنگی

افسر

گذشتن

قاطع

شفا/دادن

خلاقیت

تارک

بهبودی/دادن

حتما

محصول

پياله

پنگان

گذرگاه

بغاوت

فرهنگ

زبان/یونانی

سالم/کردن

گریه/کردن

جام

رخنه

خرد/کردن

فنجان

قوماندانی

ضروری

کنجکاو

تقاطع

عصیان

چلاندن

شورش

سر/دادن/شعار

فشار/اوردن

آفرینندگی

بی/رحم

تصور/غلط

دودمان

ستمگر

شوریدن

قیام

تاج

شاعر

رکیک

نحو

انبوه

برخورد/با

مستضعفین

مبتذل

شعار

اطلاق

رسیدگی

نخبه

برگزار/شدن

سرکشی

گلچین

میراث

بلوغ

مرتبط

حلقه/کردن

چاره

رسیدگی/کردن

مسئله/مسائل

منافع

زلف

فر/کردن

کنونی

آژانس

آداب/و/رسوم

نازنین

چرخاندن

تفرقه

جریان

آداب

سُنَت

چرخه/زدن

چرخش

هَند

ناز

چرخیدن

قطع

چرخه

ملوس

برش

اثر/هنری

پیچ

اسبق

گردیدن

گشتن

فرفری

روزانه

گمرک

تمسخر

در/حال/حاضر

زیان

دهه

خسارت/زدن

رقصیدن

بانو

آسیب

منحنی

مقصود

تاریکی

بابا

تاریک

خسارت

جرات/کردن

عزیز

قرار

خطر

اطلاعات

توزیع/کردن

تیره

مرگ

نمناک

مرده

خجالت‌زده

سر/و/کار/داشتن

خرما

مرجع

کر

قطع/كردن

زیان/زدن

بحث/کردن

بدهی

دادخواهی

مباحثه

دلقک

خجل

ضرر

نکوهش

مناظره

داده‌ها

حسد

سرافکنده

نکوهیدن

پوسیدگی

واپاشیدن

واپاشی

معمار

آراستن

نجیب

تباهیدن

شایسته

تصمیم

پوسیدن

انحطاط

اعلان/کردن

تزئین/کردن

آراسته

اظهار/کردن

کاهش/دادن

معماری

کاهش

رد/کردن

ژرف

کاستن

تزئین

عمیقا

آرایش

زینت/کردن

تصمیم/گرفتن

شکست

مشخص

معین

محافظت/کردن

تعریف/کردن

زینه

عهد

یمین

درنگ

دفاع

عمدا

تعریف

درجه

تحویل/دادن

لطیف

مبلغ

ظریف

شکننده

تعداد

درنگ/کردن

عمدی

عمیق

حساس

تقاضا

تباهی

شرح/دادن

انکار/کردن

مقررات

عزیمت

دموکراتیک

داوطلبانه

بخش

نظرسنجی

نمایش

تظاهرات/کردن

منحط

گود

دموکراسی

خرسندی

مهاجم

اینطور

لذت/دادن

ودیعه

نجات

تحویل

داوطلب

مطالبه/کردن

سلاخی

عمق/اعماق

مشتق/کردن

دلتنگ/کردن

میل

منتج/کردن

کام

استنتاج/کردن

سزاوار/بودن

مراد

طراح

ژرفا

باریک

نابود/کردن

صحرا

طرح/کردن

نازک

میل/داشتن

خراب/کردن

واژه/نامه

بیابان

انهدام

تخریب/کردن

تخریب

کثافت

استحقاق/داشتن

ویران/کردن

شرح

افسرده/کردن

معلول

کارگردان

فنا/کردن

ناتوانی

دشوار

هدایت/کردن

علیرغم

کلفت

کَندَن

دشواری

هم/سخنی

ناهمسان

آرزو/کردن

اختصاص/دادن

دفتر/خاطرات

دهقان

دستگاه

ترک/کردن

اختلاف

نظارت/کردن

طلب

ول/کردن

فرق

از/جان/گذشته

تفاصیل

عزم

همه/پرسی

مصائب

الماس

مستقیم

حفر/کردن

مصیبت

توسعه/دادن

هرچند

سختی

گام

ناامید

تحت

باقی

پادگان

بلکه

رد

بستر

شک

جهت

مفصل

پناهندگی

کوتوله

مارمولک

گوز

ابدیت

گوزیدن

پناهنده

سوسمار

بی/نهایت

پناهجویی

آزار

عقاید

کنوانسیون

پناهگاهی

پناه

کود

ناامیدانه

ماده/مغذی

عجب

طب

سوگندنامه

فراری

چس

عقبمانده

تداوی

رذالت

قحطی

مصمم

ناامید/کردن

مغایرت

ناپدید/شدن

مغایر/بودن

بی/فایدگی

فاصله

نظم

مذمت

ناامیدی

ناخوشی

مخالف/بودن

کشف

انضباط

بیماری

بیزاری

فاجعه

حماقت

تادیب

نفرت

انتظام

مایوس/کردن

بحث

کشف/کردن

سگ

انزجار

خنثی/کردن

تخفیف

نقطه

تقسیم

سند

بدرد/خوردن

دستاویز

مرض

عزل/کردن

تقسیم/کردن

چوبه/دار

فاصلهدار

ناحیه

مدرک

منحل/کردن

دوست/نداشتن

غیر/صمیمی

حل/کردن

نمایش/دادن

مشوش/کردن

منزجر/کننده

دستار

مانستن

روانه/کردن

چندش/آور

عمامه

بهم/زدن

اینگونه

سرایت

کاروان

تشخیص/دادن

تمییز/دادن

بر/هم/زدن

دادستان

منفصل/کردن

توطئه

پسمانده

قافله

وگرنه

تنفر

املا

ریاست‌

جناب

نن

مرخص/کردن

صدق/کردن

برباد

نقد

کشاندن

زعیم

زیواندن

نسبت/دادن

تحقیر/کردن

کارکردگی

بحیث

والا

خانگی

بشقاب

زیستن

خانوادگی

تسلط/داشتن

دو/برابر

غلبه

داخلی

تردید

چیره/شدن

دودلی

دو/برابر/کردن

شک/داشتن

غالب

طلبکار

تردید/کردن

به/سمت/پایین

دوجین

طبقه/پایین

چرک/نویس

پیش‌نویس

بدهکار

سبب

وجه

مسوده

چاپخانه

درام

ثالث

داروخانه

برات

به‌عبارت‌دیگر

حواله

دوا

پیان

یورو

آقا

خشک

نمایشنامه

اهلی

دارو

قطره

کیر

محرک

افت

چل

گرست

دلار

راننده

قضیب

مواد/مخدر

در/حین

مست

مجازی

طبل

وظیفه

چکیدن

ژوشیدن

چکه

دی‌وی‌دی

تمبک

زباله

ترسیم

خشک/کردن

غبار

تحریک/کردن

رویا

صریح

اسرائیل

الزامی

گردگیری/کردن

اجباری

رخت

اعزام

طراحی

موعد/مقرر

نوشیدن

پاشیدن

مساوی

استبداد

بدویت

فدیه

فلسطین

خالی/کردن

راندن

فدا

بقیه

چاله

خواب/دیدن

کند

گودال

شاگرد

مؤمن

چاه

مشروطه

تابحال

آشغال

معتقد

گرد

تحصیل/کردن

مغاک

حریص

پیرو

هم/اندازه

تخم

سادگی

فروپاشی

نهایی

شرقی

بدست/آوردن

رویان

سالخورده

برگزیدن

نشر

خاوری

لفظ

لگد

گُزیدن

جنین

آرنج

تحصیلات

ویراستن

ویرایشگر

مسن

آسان

آموزش

تدوینگر

خاک

کارا

ویراست

تربیت/کردن

اجرا

ویرایش

مؤثر

کارایی

انتخابات

آموزشی

راندمان

ویرایار

برقی

بهره/وری

اثربخشی

آخشیج

تعلیم/دادن

تعلیم

بازده

اضطراری

آسانی

شیک

گزینش

الکتریکی

آسانسور

شرم/آور

خجالت/دادن

منفعل

عنصر

حذف/کردن

برازنده

فوریت

امپراطوری

تاکید

بکار/گرفتن

عاطفه

تأکید/کردن

خاور

مواجهه

استخدام

قادر/ساختن

دلگرم/کردن

تهی

لذت

قادر

تشویق

طرفداری/کردن

شاهنشاهی

رویاروی/شدن

اورژانس

کارگماری

عظیم

توانا/ساختن

لذت/بخش

بانتها/رسیدن

مشغول/کردن

خالی

نامزد/کردن

مهندسی

ختم

لذت/بردن

تشويق/كردن

هنگفت

برطرف/کردن

حق/دادن

لقب

کارفرما

انرژی

مزایا

پایان/یافتن

پوچ

رویارویی

سراسر

موتور

دشمن

علاقهمند

سرگرمی

سرگرم/کننده

اشتیاق

بن‌واژه

ثبت

قادر/کردن

اشتباه

یکسان

محیطی

مستحق

گریز

دَوَران

مدخل

زمام

حفظ

دُوران

تخمین

عاطفی

تجهیزات

در/رفتن

زمامدار

مراجعین

نام/نهادن

محیط

مقبره

لقب/دادن

دول

چتل

محصل

آواشناسی

پند

انحصار

درز

عوام

دخول

ضلالت

معادل

بویژه

تاسيس/كردن

نقض

چرک

فرار

مخصوصاً

املاک

مسطح

و/غیره

طعمه

بکار/گماشتن

گواه

عدد/زوج

سانحه

بالاخره

خطا

معرفت/مَعَارِف‎

بدکار

مدارک

و/الی/آخر

لمشت

واقعه

شواهد

اموال/مال

هیجان

آلت

تخمین/زدن

غلو

هموار

حادثه

بخصوص

امتحان/کردن

گردهمایی

اغراق

اغراق/آمیز

مکاره

آزمون/کردن

سطل

بازرسی

ذکر

دارایی

مبادله

اعتصاب

استثنا

نری

قومی

گزاف/گفتن

راتبه

ممتاز

هيئت/رئيسه

مبادله/کردن

معافیت

در/ازای

کاوش/کردن

معاوضه

بورس

معاف/کردن

خودارضایی

خود/به/خود

فهماندن

منفجر/شدن

توضیح

صادر/کردن

امتحان

ورزش

بجز

اکتشاف/کردن

بهانه

بازرسی/کردن

توضیح/دادن

دراز/کردن

مشغول/بودن

نواسه

تبادل

بزرگ/کردن

تجربه

گستردن

خداوندگار

گسترش

ازمایش/کردن

وجود/داشتن

اَفشاندَن

وسعت

مفرط

موجودیت

طولانی/کردن

شدت

جسد

خدیو

صادرات

خارق‌العاده

زائد

فوق/العاده

تجمع

آزمایش

خداوند

یزدان

تمرین/کردن

افراط‌

جاکش

چشم

پرتو

کدخدا

مکرر

تمرین

تجربه/کردن

وجود

نقص

سماروغ

پروردگار

هباک

کس‌کش

دبستان

صلحجو

گزینه

پسند

مشکل/پسند

اعمال/کردن

برنیش

منفعت

خویشاوند

سبک/کردن

خویش

بی/تفاوت

گازود

پیاپی

متقابل

زده

محرومیت

مستثنی

توقع

محروم

گران

انتظار/داشتن

چهره

شکست/خوردن

امکانات

ناکام/شدن

ناموفقیت

ضعیف

انگیختن

متداول

حقیقت

دین

ارائهٔ

غش/کردن

نادرست

موفق/نشدن

ناکامی

نور

بیهوشی

کاذب

با/وفا

دروغ

هبوط

منصف

دروغگو

خزان

از/هوش/رفتن

با/ایمان

دیم

آسر

مشهور

پنکه

ایمان

کذب

آشنا

شهرت

کشتزار

معروفیت

کشاورز

فن

غلط

بادبزن

نزول

مذهب

مزرعه

چسباندن

مد

پکه

چاق

عیب

تجملی

هوادار

چربی

پاییز

مد/روز

غذا/دادن

فربه

مورد/علاقه

پیه

فدرال

معروف

خاصیت

آشفته

محکم/کردن

متمایز

بروز

خوشامد/گفتن

سوگلی

خوراندن

خصیصه

ریا

خوشامد

مسلم

پَر

جشنواره

زنانه

لمس/کردن

عید

یار

تب

رشته

نبرد/کردن

احساس/کردن

حصار

مبارزه/کردن

تصویر/کردن

میدان

پرونده

سیرت

تأمین/مالی/کردن

سینما

جنگیدن

تهیه/پول/کردن

پیکار

فیلم/گرفتن/از

انگشت

پایانی

مالی

فیلم

سرمایهتهیه/کردن

دریافتن

مالیه

باشگاه

نسختین

انباشتن

راسخ

سرمایه/گذاری

سیل

اولین

گوشت

پرواز/کردن

شعله

تمام/کردن

مجسم/کردن

شناور/بودن

معدود

استوار/کردن

طعم

تعمیر/کردن

محدود/کردن

پایدار

کف

حول

در/خور

هماهنگ

غرق/کردن

متناسب/کردن

لیاقت

به/کسی/خوردن

جا/شدن

اغتشاش

سیل/گرفتن

سفت

تاباندن

مقتضی

کلان

تلالو

صلاحیت

میده

ارتجاع

فلاش

برق/زدن

آرد

تندرست

ماهی

تمویل/کردن

جاری/بودن

درخشیدن

فرود

پرواز

بخشیدن

پنجه

تا/ابد

چنگال

پیروی/کردن

روان/شدن

چین

بیشه

چین/دار/کردن

ورقه

آذر

قاعده

توجه/دادن

گردش

برای/همیشه

زور

فرمول

رسمی

تا/کردن

تاه

تبعیت/کردن

گل

دستور

مجبور/کردن

تازه

پا

آنفولانزا

بلوکه/کردن

آزادی

دوستی

بنیان

قاب/کردن

متابعت/کردن

فوتبال

انجماد

جنگل

آزاد

میوه

انگاشتن

جنازه

منجمد

رفاقت

ترساندن

تابع

کارکرد

اسباب

بی/حفاظ/گذاردن

سرخ/کردن

فاش/کردن

در/معرض/گذاشتن

پنداشتن

مبلمان

کرک

اثاث

بیپناه/گذاشتن

خنده/دار

دوستانه

بعدی

پت

معرض

سوخت

تهیه/وجه/کردن

بنیادی

خز

فراموش/کردن

مبل

آستانه

قمار/کردن

حصول

باغ

گیتاشناسی

بازی

سخی

بنزین

نسل

بخشنده

بدست/اوردن

جغرافیا

زادن

بنیانی

هدیه

گاراژ

محظوظ

پیشکش

دستکش

غول

دنده

شیشه

تحفه

خبره

ملایم

مبالغه

زلزله

چغوک

جهانی

خطابه

دوست/دختر

یقیناً

محترم

وعظ

رویهمافت

گوناگونی

موجز

کاچال

هولناک

دروازه

خطبه

همپوشانی

ژن

تنوع

وحشتناک

گنجشک

خاکسپاری

متنوع

موعظه

محموله

زر

چسب

حکومت/کردن

روی/هم/افتادن

نمره

سلف

دبیرستان

فارغالتحصیل/شدن

سبزه

خاکستری

عینک

متاع

رویاندن

نمره/دادن

چنگ/زدن

رشد/کردن

عطا

متشکر

طلا

علف

خواربار

فارغ‌التحصیل

بقالی

فرماندار

واش

رستن

پیشوا

رشد

پاسداری/کردن

نگهبان

پاسدار

ضمانت

دانه

نگهبانی/کردن

چمن

حدس

ضامن/دادن

تدریج

محافظ

سبز

سپاسگزار

راهنما

حدس/زدن

راهنمایی/کردن

قلاوز

تفنگ

داس

ضمانت/کردن

سرحال

پاسبان

مس

چکش

گناهکار

بردگی

به/ندرت

برنز

آویختن

نیم

عادت

مضر

خسران

دست/زدن/به

مو

مفرغ

زمخت

گیتار

زیان/آور

آسیب/رساندن

مهمان

صدمه

بی/ضرر

ریاست/داشتن/بر

بیزار/بودن

صدمه/زدن

بغرنجی

سلامت

گزند

تندرستی

آسمان

رهبری/کردن

التیام/دادن

سالم

سردرد

سودمند

پابپا/کردن

ارتفاع

تندرست

حرارت

مخفی/کردن

شنیدن

قهرمان

قد

پاشنه

شنوایی

گرما

قلب

بزرگراه

تپه

ران

باسن

نکات/نکته

تاریخ

برجسته/کردن

صحت

پررنگ

اصابت

اصابت/کردن

کفل

خاصره

سنگر

کرایه/کردن

کرایه/دادن

نگاهداری

سوراخ

سپنتا

هتل

کاواک

تکلیف/خانه

سنگین

توخالی

تاریخی

داغ

محاصره

اسب

صادق

بلندی

میزبان

نگاه/داشتن

محصور

پروَست

سیاهچال

کرو

ناموس

حفره

قالی

افقی

سرو

پوک‎

گمان

بوق

شرف

مقدس

دهشت

اعتقاد

قلاب

امین

شاخ

آکج

چنگک

خانوار

عزت

غیرت

خرج

بدرد/آوردن

فکاهی

اقامتگاه

عجله/کردن

شوخی

اسکان/دادن

گرسنه

خانوار

قیاس/کردن

با/این/حال

سرشماری

مسکن

جامع

آرمان

آرمانی

نادیده/گرفتن

مریض

یخ

سکونت

بستنی

غیر/مجاز

مصور/کردن

تخيل

ایدهآل

خیالی

غیر/قانونی

بی/حوصله

تحت/تاثیر/قرار/دادن

نشدنی

انطباع

باقی/گذاردن

مخيله

بهتر/کردن

بهسازی

مهر/زدن

ترقی

عجز

چشمگیر

اصلاحات/کردن

بهبود

غیراخلاقی

اشاره/کردن

مستقیما

محکوم/کردن

ممتنع

واردات

برنهادن

غیر/ممکن

بی/صبر

درماندگی

دلالت

شامل/کردن

وارد/كردن

بشمول

درج/کردن

اینچ

شمایل

چشم‌پوشی/کردن

شمول

بدسیرت

درآمد

حقیقتا

نمایه

افزایش

مستقل

فهرست/کردن

زیاد/کردن

درون

نشان

استقلال

افزایش/دادن

غیرمستقیم

شاخص

حاصل/کردن

حتمی

صنایع

ناچار

معلومات

خبر/دادن

نشانه

ناگزیر

تاثیر/کردن/بر

آگاه/کردن

غیر/رسمی

صنعتی

اطلاع/دادن

نفوذ/کردن/بر

آلوده/کردن

حتمی/کردن

تفوق

ابتدایی

عفونت

اجتناب/ناپذیر

زخمی/کردن

عفونی

درونی

داخل/کردن

استعلام

پافشاری/کردن

جوهر

اصرار/کردن

ابتکار

الحاق/کردن

بجای

تاسیس/کردن

برقرار/کردن

مرکب

نصب/کردن

بنیاد/نهادن

بی/گناه

مؤسسه

حشره

ابزار

دستورالعمل

وسیله

بیمه

توهین

فکری

ساز

عقلانی

راهنمایی

قوی

اینترنت

خردمند

انقطاع

روشنفکر

بهره

گسستن

مصاحبه

شدید

تعلیق

توهین/کردن

معرفی/کردن

قصد/داشتن

اختراع

باهوش

معرفی

گرفتار/شدن

تحقیقات

درگیر/کردن

آهن

ناف

مستلزم/بودن

تحقیق/کردن

دیباچه

تفسیر/کردن

گرفتار/کردن

مقدمه

تار

سرمایه/گذاری/کردن

اتو

بین/المللی

ایجاب/کردن

پیچیده/شدن

دعوت

اختراع/کردن

مصاحبه/کردن

زندگی/کردن

گرفتاری

شکم

موضوع

اتو/کردن

دسر

جزیره

نشریه

به/خودی/خود

فقره

حسادت

کردار

زندان

احساس/مالکیت

ژاکت

لرزانک

حسود

بندگاه

شلوار/جین

رشک

گنگ

ژله

شوخی/کردن

شلیک/کردن

دادور

قضاوت

کروز

تاختن

توجیه/کردن

شربت

هیئت/منصفه

داوری/کردن

پریدن

دادگستری

شیره

لگد/زدن

صغیر

عدالت

قضاوت/کردن

مسافرت

ژوری

قاضی

جستن

دست/انداختن

کلید

پا /زدن

قِسم

کیلوگرم

پرش

مشفق

قتل

شاه

کیلومتر

بوسیدن

ماچ/کردن

آشپزخانه

مهربانی

صفحهکلید

مسخره/کردن

تمول

بوسه

تحصن

شبنم

آب/میوه

پاک‌سازی/قومی

قوه/قضاییه

آبخوست

کارد

زانو

ماچ

چاقو

زادروز

خانم

کوبیدن

فاقد

دریاچه

آزمایِشگاه

زحمت/کشیدن

لابراتوار

برچسب/زدن

پیاده/شدن

لیتر

طول/کشیدن

سرزمین

لامپ

منظره

فرود/امدن

برچسب

راه/باریک

آزمودن

خط

پیاده

گره

منظر

دیار

دانش

خنده

آخرین

تکیه/کردن

سرب

دیر

پیشی

دومی

خشکشویی

متمایل

فرا/گرفتن

رختشوی/خانه

خندیدن

رختشویی

برگ

تقدم

تمایل/داشتن

سبقت

لباسشویی

تنبل

تکیه/زدن

مدافع

اخیرا

کج/شدن

چشم‌انداز

اعتیاد

تعظیم/کردن

لیبرال

کنار/گذاشتن

لیموترش

سخنرانی

کتابخانه

لیسانس

پروانه/دادن

متروک

عزیمت/کردن

محلی

چرم

سبق

لیبرالیسم

پروانه

مسطح/کردن

تراز/کردن

رخصت

بالا/بردن

حقوقی

محل

سرزنده

عمر

چپ

قفل/کردن

لیمو

گذاشتن

برداشتن

سبک

بلند/کردن

قانونی

دوست/داشتن

پیوند

پسندیدن

قفل

پیوند/دادن

دروغ/گفتن

مثل

منحصر/کردن

گوش/دادن

دل/خواستن

ادبیات

لب

سیال

روشن/کردن

مایع

محاضره

نوشتجات

بار/کردن

زیراً

حیات

قرض/دادن

قرار/دادن

جان

لایه

سالنامه

حاشیه/کردن

بر/زدن

گاه‌شماری

همایش

اندری

مداخله

عدو

تقویم

حاشیه

منطقی

بلند

دخالت

لق

قیافه

شُل

سست

هرز

طولانی

ارباب

زدودن

دور/انداختن

گم/کردن

قرعه

نصیب

نگاه

محوطه

باختن

گشاد

مجله

ژورنال

بسی

باخت

جادویی

ریه

خل

پایینتر

معشوق

از/دست/دادن

وفادار

شُش

قلمبه

پست

سرگرد

مردانه

اکثریت

حفظ/کردن

عمده

طریقه

سازنده

تولید/کننده

مرکز/خرید

ظلمانی

واژگون/کردن

چندین

علامت/گذاردن

راهپیمایی

نکاح

بازاریابی

راهپیمایی/کردن

نشان/کردن

کپه

تطبیق/کردن

جور/بودن/با

تطبیق

کبریت

بازار

جور/کردن

دانشور

ازدواج/کردن

حریف

جور

همسر

مطابق‌/کردن

حجم

تطابق

خواستگاری/کردن

جسمانی

گوگرد

بالاترین

هماهنگ/کردن

بیشینه

نظیر

مادی

جورسازی/کردن

همتا

حد/اکثر

میانه

خودبزرگبینی

جسم

ریاضیات

از/طریق

معنی/کردن

به/معنی

دولتداری

ناقلین

لهذا

دولت-ملت

محور

به/معنا

مختص

جهالت

بیشترین

مغرور

خودکامگی

شهردار

فردگرایی

تکبر

متکبر

خودپرستی

اندازه/گرفتن

میتوان

سنجش

سنجیدن

اندازه/گیری

دلال

به/وسیله

اندازه

عضویت

رفع/کردن

نشست

معتدل

ذوب/کردن

جمعی

مگر/اینکه

فراخواندن

واسطه

پخسیدن

محیط/کشت

گداختن

پزشکی

حافظه

منو

شلوغ/کاری/کردن

ذکر/کردن

کانی

فلز

اقلیت

مسلک

نیمه

وسطی

کمترین

آشفته/کردن

میلی/گرم

روانی

میلی/متر

خردسال

خبط

اعتناء/کردن/به

محض

مایل

دست/کم

یادآوری/کردن

دقیقه

دوشیزه

ماده/معدنی

متر

وسط

سهو/کردن

اختلاط

به/زبان/آوردن

آمیختن

اشتباه/کردن

مخلوط/کردن

تحرک

دوشنبه

نوین

کمینه

لحظه

مخلوط

فرضیه

مدل

نیمه/شب

مدرن

متحرک

سهو

سیار

مدل/مفهومی

بادرنگ

مانکن

گرامی

تعقل

لابی‌

خیار

لابی‌گری

قلق

پول

کوه

مود

جنبش

دیده/بانی/کردن

مزاج

مانیتور

زیر/نظر/داشتن

پیسه

سوار/کردن

آدم/کشی

جنبیدن

تکثیر/کردن

رامشگری

لجن

خنیا

ای/خدا‎

بقتل/رساندن

موش

سالن/سینما

ای/وای

موسیقی

قاتل

ماهیچه

کشتار

ضرب/کردن

عضله

اخلاقی

ادغامیدن

کوهستان

بسیج

ادغام

موتورسیکلت

چیستان

دهان

بامداد

درهمیدن

علاوه/بر/این

زیرساخت

حرکت

خودم

پیشداوری

معما

مرموز

نیت

تعصب

لغز

صف

همگون‌سازی

گیلاس

راز

نام/دادن

ناخن

میخ

برهنه

لخت

طبیعت

ملت

طبیعی

سرشت

ذات

شسته/و/رفته

ناوگان

غریزه

دستیافتنی

مرتب

پابرهنه

ملی

منظم

نیروی/دریایی

اخبار

لازم

به/تازگی

همسایگی

واجب

محتاج/بودن

همسایه

گردن

معهذا

تور

مل

با/این/وجود

دوست/داشتنی

نیاز/داشتن

سوزن

عصب

عصبی

دسیسه

قضیه

شلاق

مجاورت

تابعیت

هیچ/یک

لیسیدن

دلپذیر

تکان/سر

با/سر/اشاره/کردن

ظریفانه

دلپسند

مهمل

پر/سر/و/صدا

سر/تکان/دادن

شمالی

نیستی

بیهوده

دماغ

قابل/توجه

یادداشت

اتمی

پندار

نت

هیچ/جا

رمان

مهره

اندیشه

متعدد

فراوان

بخاطر/سپردن

بینی

آجیل

هستهای

ملاحظه/کردن

چکر/زدن

ملتفت/شدن

یادداشت/کردن

تازیانه

توجه/کردن

بدرنگ

اطلاع

سگالیدن

شلاق/زدن

یاوه

تعلل

کبد

متل

لانه

جگر

الوهیت

شیء

دوری

اطاعت/کردن

بی/طرف

ایزد

ربودن

میانی

تصرف/کردن

ناگوار

هرازگاهی

مفعولی

اشغال/کردن

عینی

رعایت/کردن

مشاهده

عینی‌گرایی

مخالفت/کردن

بدیهی

اهانت

اقیانوس

قربانی/کردن

رنجاننده

متجاوز

تقدیم

موقع

کریه

عرضه/کردن

مشاهده/کردن

کنسولی

بلال

اشغالگر

همواره

هجوم

اشتها

فرصت

مجهول

جواری

سیری

نوسان

پیشکش/کردن

اهانت/آور

مجادله

قربانی

ذرت

هوس

فدا/کردن

واقع/شدن

مبهم

هم/ستیز

عدم

جدلی

دلخوری

عرضه

تخطی/کردن

گهگاه

دعوا

رنجاندن

پادگردی

ربع

مشاجره

آه

دلخور/کردن

تجاوز

بر/روی

مزمن

دیرینه

از/مد/افتاده

اه

عتیق

خاموشی

روغن

کهنه/پرست

باشه

هورمن

برخط

گردنبند

گرداندن

پیاز

ستیزه

دایر/بودن

انگور

آنلاین

قدمت

بکار/انداختن

عملیات

خصومت

منازع

عمل/کردن

نظریه

معارض

گشودن

باز/کردن

باز

خصم

خودنویس

ضدیت/کردن

مجال

مقاومت/کردن

راه/انداختن

پرتقال

مالته

ارگان

نقیض

متشکل/کردن

سفارش/دادن

نارنجی

اونس

پیدایش

مبدٲ

برخاستن

سازماندهی/کردن

خاستگاه

منزل

بایست

بیرونی

برونداد

خودمان

قبلا/تعیین/کردن

برجسته

مافوق

طرح/کلی

مغلوب/ساختن

از/روی

سازمان/دادن

بدهکار/بودن

مدیون/بودن

بروز/دادن

منشاء

غلبه/یافتن

بوزینه

اقرار/کردن

پشه

گشایش

مین‌‌‌

مگس

سرتاسر

سوسک

دارنده

افتتاح

ملخ

فندقی

مورچه

میمون

کبوتر

صفحه

ترور

بسته/کردن

بسته

سرعت

رویه

بسته/بندی/کردن

درد

درد/کشیدن

نقاشی

دردناک

رنگ/کردن

نگار

تبخیر/شدن

کوشک

ماهیتابه

پانل

پارلمان

نقاش

رنگ/پریده

تشک

میزگرد

کاخ

شرکت/کردن

جفت

پاره

کم/رنگ

پنل

خصوصی

پارک

تابه

پاساژ  
تابلو

مخزن

انقضاء

منقضی

شکیبایی

شلوار

ویژه

حزب

توازی

سپری

پارک/کردن

صبر

قصاص

صبور

شریک

شور

خاص

انبار

راهرو

گذراندن

مهمانی

قسمت

مشارکت/کردن

تا/حدی

مف

شکیبا

الگو

بیمار

پرداخت

رخنه/کردن

سررسید

گوساله

روایت

مخاط

لگام

صلح

آلت/دست/قرار/دادن

آشتی

لزوماً

رحم

ان/دماغ

لیچار

تواضع

بازیچه/ی /دست/خود/کردن

رخنه/شدن

دلسوزی

صلح/آمیز

بخشش

پنالتی

به/بازی/گرفتن

خلم

رحمت

دستکاری

تاوان

فروتنی

دشنام

شفقت

جریمه

حیا

فحش

مجازات

فلفل

درصد

چکاد

قله

جزا

کیفر

فیصد

وجدان

اوج

بازی/دادن

اجرا/کردن

پیشانی

کامل

بازیگر

ابدی

ماندنی

دائمی

ترخیص

اذن

فیزیکی

دیدگاه

مجاز/کردن

نوازش/کردن

لحاظ

وادار/کردن

انتزاعی

عکاس

فتوکپی

لاف/زدن

پیانو

تمایز

مُرز

تیار

انضمامی

مفرد

عکس

فلسفه

مصداق

قرص

مقعد

کومه

آز

بخیل

کومه/کردن

حیوان/خانگی

فاز

معتاد

توده/کردن

فیزیک

پیغام

جبران

آزمند

لافیدن

عکاسی

کلمبه

خسیس

خوک

حرص

کلنگ

شکارگاه

عهدشکنی

جلد

ماست

غرامت

میلاد/مسیح

پیام

تعمیم/دادن

رنگ/صورتی

سرنشین

سنجاق

ارزیابی/کردن

پینت

کلم

جلگه

سنجاق/زدن/به

لوله

نردبان

نای

سرراست

خرد/شدن

رک

دشت

سیاره

تغییر/پذیر

بازیکن

قالب/پذیر

هامون

رک/و/ساده

باسنجاق/محکم/کردن

پلتفرم/زدایی

نواختن

عیش

پلکان

پلاستیک

نوازنده

جایگاه

خمیر

مواضعنامه

پلاتفر

خوشایند

گیاه

دوشاخه

طرح/ریزی/کردن

فراوانی

رضایت

کفایت

دلپذیر/کردن

مطبوع

جلب

خمیری

کاشتن

سکو

سلب

بعد/از/ظهر

فیش

اتصال‌‌دهنده

بسندگی

تیرک

دیرک

شعر

مسموم/کردن

سیاستمدار

آلودگی

پالار

سیاست

زهر

جیب

ترسو

قطب

زیرایی

لاک/ناخن

صیقل/دادن

سیاسی

صیقل

نامرد

در/قبال

سم

بز

مودبانه

لهستان

دیو

پولیش/کردن

زهر/آلود/کردن

بزدل

زیروبمی

نواک

مَلَک

اثاث/کشی

شیطان

شناسایی

تفکر/قالبی

ارتداد

گلخانه‌

بی/نوا

اهریمن

بی/عقل

اسباب/کشی

سکنه

فرشته

محبوب

پاپ

موقعیت

ژست

مستمند

کلیشه‌

مرتد

نقل/مکان

شاهکار

زبردست

کم/عقل

مقام

ژست/گرفتن

بندرگاه

انباز

برکه

اسکله

آبگیر

متصرف/بودن

همال

استخر

خزانه

بندر

همنوع‌خواری

کولاب

استحواذ

فقیر

پتانسیل

قابلمه

پست/کردن

پوند

تشریح

تالاب

پودر

متصرف

عملا

مشق

ممارست

بالقوه

خواری

فقر

تقوا

قوت

مطرح/کردن

دیگ

مقتدر

نیرومند

پارسایی

توان

گلدان

در/تصرف/داشتن

نفرین/کردن

مالکیت

پی/در/پی

دعا

ارسال/کردن

بدیوار/زدن

سیب/زمینی

تیار/کردن

ترجیح/دادن

برکت/دادن

آمادگی

حامله

ممارست/کردن

ستودن

ستایش

تدارک

عقار

تهیه

گلابی

کاکا

هجو

بغل/کردن

منافق

نماز

برکت

ترجیح

آماده/کردن

محفل

خلاص/کردن

آبستن

باردار

لسان

شفتالو

طیاره

آلو

در/آغوش/گرفتن

راجع/به

چرس

کابوس

بادمجان

هلو

موهبت

پس/آمدن

هین

زردک

دورویی

ماما

پریشان

نشه

صباح

واز

مانده

مذاق

کچالو

ناک

طنز

سیل/کردن

نعمت

نفاق

فشار/دادن

اشتک

وانمود/کردن

فشن

چاپ/کردن

شکیل

طفل

فيضان

مطبوعات

فرگشت

جلوگیری/کردن

جلوگیری

نوآوری

جعل/کردن

مخرب

اولیه

تظاهر/کردن/به

افق

اولویت

چاپ

غرور

کشیش

مقدماتی

زندانی

شاهزاده

حبس

محبس

حریم/شخصی

شاهدخت

پرداختن/به

ازدحام

ختنه

شگرد

پستا

چاپگر

محتملا

غنیمت

انعام

پیشین

حریم/خصوصی

بندی/خانه

سماری

هنباز

مصونیت

کلاه/ایمنی

ایمنی

یکتاپرستی

قارب

پلنگ

قارچ

اقدام/کردن

انگیزه

منبسط/کردن

فیوز

جبهه

فاسق

پردازش/کردن

جهاز

بسط/دادن

رهسپار/شدن

نهفته

قهرمانی

پَست

استلزام

ایما

شمع

تذکر

ناشی

زورق

رمز

ممالک

مشروعیت

مصون

ناشی/شدن/از

پرازده

صرف/نظر

کماهه

خویشاوندگماری

کچل

عنان

تعویذ

سِرّ/ اسرارِ

زمین/بازی

طلسم

طاسی

کَل

محوطه/بازی

خویشاوندسالاری

مملکت

رموزِ

تحول

چگالی

قهر

چارچوب

تهیه‌کننده

پدیده

حرفه‌ای

پرتاب

مدرس

سود

برنامه/نوشتن

برنامه/تهیه/کردن

اغلب

اپاختر

تکامل

پیشرفت/کردن

پروژه

طرح/ریختن

ترویج/کردن

نقشه/کشیدن

قول/دادن

پرتاب/کردن

پیش/افکندن

فرافکنی

وعده

تلفظ

ترقی/دادن

ترویج

بموقع

عاجل

میثاق

ترفیع

بفعالیت/واداشتن

تلفظ/کردن

برهان

فراهم/کردن

حفاظت

سرافراز

تناسب

رستاخیز

بعث

عمومیت

حراست/کردن

حفاظت/کردن

سایه

محافظت

نامورسازی

سربلند

حراست

اثبات/کردن

همگان

انتشار/دادن

احیا

پاک/کردن

مشت/زدن

مشکی

تنبیه

صفی

لاجوردى

فیروزه/ای

منتشر/ساختن

کشیدن

هل

ترفیع/دادن

کشش

پیگرد/کردن

خالص

غرض

سرمه‌ای

هل/دادن

مشت

سرخابى

ناب

نيلى

تنبیه/کردن

بنفش

خریداری

پاک

استکان

توسی

ارغوانی

لیوان

عذر

مشروط

کیفیت

واجد/شرایط/شدن

صلاحیت/داشتن

کمیت

محله

حوزه

سؤال

پرسش

یک/چهارم

افلاس

ساکت

علامت/گفتاورد

نقل/قول

خاموش

کافر

گفتاورد

تماما

واگویه

ورشکستگی

باران

نقل/قول/کردن

یاتاق

ژاله

تبار

دریافت

کورس

واکنش

پروراندن

دريافت/كردن

خواننده

توبیخ

سرعت/گرفتن

رسید

بسرعت/رفتن

نرخ

رتبه/بندی/کردن

نرده

راه/آهن

باریدن

نسبتا

رتبه

رادیو

ریل

تکذیب/کردن

بازشناسی

راستین/گرای

ثانوی

گروگان

واقع‌گرایی

تحقق/گرای

برگه

روچه

علنی/کردن

کال

حائل

واکنش/نشان/دادن

تندرو

واقع/بین

بخاطر/آوردن

تند

میانجی

شناخت

ترجیحا

مکتوب

وساطت/کردن

اخیر

نارس

نرخ/بستن/بر/چیزی

گستره

برخه

رشته‌کوه

ثانی

سرریز

دامنه

دسته/بندی/کردن

مطرود

پاگیر

علاج

میانجیگری/کردن

نادر

برد

مخلوق

طیف

بازه

طبقه/بندی/کردن

استعفا

منی

قواد

مقطع

اسپرم

اَخگَر

طبع

عقب/افتاده

لوده

گشن

نطفه

عکسالعمل

غوک

سرگردان

مساحت

قورباغه

مختصات

پهنه

کوربقه

هندسه

گنج

وک

گه

عن

هضم/کردن

قلوه

کتله

گوارش

کلیه

گرده

هضم

روده

گواریدن

دور/کردن

اندرکنش/داشتن

نزد

دفع

برهم‌کنش

دفع/کردن

کتی

نسبی

متروک/ساختن

بخاطر/داشتن

مقرره

تعدیل

روایت/کردن

مضحک

اندرکنش

تعامل

ربط

راحت/کردن

ربط/دادن

لینت/دادن

شل/کردن

سست/کردن

قرابت

رهایی

بیاد/آوردن

فراغت

باقی/ماندن

تسکین

اجاره/دادن

اجاره

تعمیر

جایگزین/کردن

آسودگی

تکیه/کردن/بر

سخن/گفتن

اظهار/داشتن

بعید

دور/دست

برداشت

گزارش/دادن

تکرار/کردن

باز/گفتن

پاسخ/دادن

نمایندگی/کردن

پیمودن

نماینده

دوباره/ساختن

درخواست/کردن

تولید/مثل/کردن

باز/عمل/آوردن

لازم/بودن

نیاز

دربایست

حاجت

الزام

نجات/دادن

تخلیه

عینا

پژوهیدن

پژوهش

ذهنیت

لفظی

تحت/اللفظی

سبد

زنبیل

لطفی/کردن

سزا

نیش/زدن

اتفاقا

یتیم

گدا

تریاک

یکا

سوگیری

عود/کردن

به/روز/ماندن

مرگبار

زیانبار

انگبین

عود

منطقه/اختصاصی

علائم

دچار

تقیه

اندوخته‌گاه

زنبوردار

شهد

زنبور

رزرویشن

تخصیص

عسل

اندوخته

زنبورداری

گمان/بردن

شبهه

ذخیره

اندوختن

کتمان

بهبود/یافتن

کاردانی

الفختن

ذخیره‌گاه

استراحتگاه

ترمیم

احترام

احترام/گذاشتن/به

حیثیت

باز/یافتن

مرمت/کردن

خلل

استرداد

اجماع

کلی

نشئگی

القا/کردن

تحجر

کلیت

خوشنودی

سرخوشی

متحجر

اصلاحات

یخچال

سردخانه

مذاکره

امتناع

نگاشتن

ثبت/کردن

سجل

فرتور

باز/تابیدن

قرمز

ارجاعیدن

بازتاب

زرشکی

مراجعه  
انعکاس

تابیدن

منعکس/کردن

ارجاع

رجوع

انقلاب

مراجعه/کردن

رجوع/کردن/به

استماع

ترمیم/کردن

بهسازی/کردن

هنرآزمایی

همامونی

پس/دادن

منتظم

غنی

مسئوليت

رستوران

تقارن

مهمانخانه

اعاده/کردن

منجر/شدن

نگهداری/کردن

متقارن

پهپاد

سفره

در/پی

گشناب

گندک

خوانپایه

خوان

باروت

معالجه

کورتاژ

آفگانه

سقط

غافل

سایر

اذعان

عمدتا

چَفت

قوس

مدار

مدد

کهکشان

اَندامگان

موز

مذکر

کیله

مربا

سازواره

مؤنث

جاندار

تسلیت

دغدغه

ادراک

همینکه

بالش

دراز/کشیدن

لمیدن

بخشودن

چیدمان

برانداختن

سرنگون/کردن

دربار

درب

پشیمانی

قرارگاه

دریغ

نابغه

افسوس

حسرت

افسوس/خوردن

تاسف

تحقق/بخشیدن

بازنشسته/شدن

موجب

برگرداندن

رود

آشکار/کردن

وارونه/کردن

معکوس/کردن

برنج

رودخانه

ملیت

بسامد

نشانگان

کماندار

افراط‌گرایی

مستقر

بارآوری

قبیله

بنیادگرایی

فرستاده

تفویض

وفد

ناخن‌گیر

آرایه‌شناسی

نازایی

اهلیت‌نام

رگ

جمعیت‌شناسی

استانداردسازی

منجنیق

باروری

موشک

رادیکال

اختلال

سرده

کمان

کودک‌کامی

چابک

چرت/زدن

موضع

استحکامات

بام

صدور

شفاهی

مُحالٌ

نهی

هیئت/تحریریه

اشتغال

مشی

سرمقاله

راه/رفتن

محفوظ

مُحیل

نیابتی

مرور/کردن

ارگ

ظاهر/کردن

مرور

اجر/دادن

تجدید/نظر/کردن

پیشینه

نگریستن

بازنگری/کردن

رهاسازی

تجدید/نظر

پاداش/دادن

سواری/کردن

ریتم

وزن

رهانیدن/از

تخلیص

سواری

بجا

انگشتر

قیمه/کردن

طلوع

مخاطره

بالا/آمدن

ریسک/کردن

دل/به/دریا/زدن

برآمدن

به/خطر/انداختن

طلوع/کردن

ریسک

جاده

تخته‌سنگ

فاسد/کردن

رمانتیک

رقیب

خطکش

ابریشمی

شایعه

خطر/کردن

کائوچو

هماورد

فرمانروایی

دزدیدن

ویرانی

سنگ

صخره

روستایی

گرداله

حکمران

فرمانروا

مسلط

بی/ادب

ورد

گل/سرخ

رز

خشن

جنگره

شاهانه

رج

ردیف

مالیدن

سلطنتی

شایگان

روتین

روال

روزمره

یورش

خاراندن

شتاب

قی/کردن.

شتاب/کردن

تاراج

انتقام

چپاول

خاریدن

استفراغ/کردن

دامنگاه

استفراغ

پرسشنامه

غارَت

پادافراه

بغل

مجموع

خارش

ساک

پرس

قی

آوازه

واگرد/کردن

دامان

گونی

امن

غصه

حزن

اندوه

اندوهگین

ایمن

سوگ

غم

امنیت

ملاح

غواص

گاوصندوق

بادبان

خلاشی

ملوان

سالاد

فروش

ماسه

اقناع

جواهرفروش

نمک

اقناع/شدن

شن

ریگ

راضی/کردن

ارضاء

خوشنود/کردن

شنبه

سس

رب

چاشنی

ذخیره/کردن

مقیاس

پس/انداز/کردن

صحنه

در/برنامه/گذاردن

جدول/زمانی

دانشمند

زمان/بندی/کردن

امتیاز

خراشیدن

امتیاز/گرفتن

وصل/کردن

پیچ/کردن

خراش

چاشنی‌زنی

جستجو/کردن

جیغ/زدن

جستجو

جُستن

یگانگی

شبیه

همانند

انار

خو/گرفتن

گنجینه

مروارید

ثمر

سترون/کردن

سترون

عاقبت/عواقبت

توقیف/کردن

تلفات/تلف

خدشه

تنش‌

حسنه

سرخط

قلمرو

جسور

معضل

سرصفحه

معضله

ناظر

مردمک

معاون

ناوبر

دریانورد

فیل

تضرر

متضرر

جرعه

ناظم

زروک

تِرم

پرتابگر

نیمسال

مجروح

شتر

لقمه

زالو

قیامت

آرواره

مباح

خشت

فَک

صیاد

مهر/و/موم/کردن

حلال

فک

تضمین

محرمانه

مهر/کردن

دبیر

مجوز

قطاع

تامین

بذر

تضمین/کردن

مجلس/سنا

سناتور

مهتر

فرستادن

کهتر

حس

معقول

حس/کردن

سِری

مجزا

محسوس

عصری

مجزا/کردن

سلسله

سَری

سریال

تفکیک

خدمت/کردن

خدمتکار

جدی

مستخدم

خادم

نوکر

خدمتگزار

سرویس

خدمت

قرار/گرفتن

چیدن

پهلو

لجوج

مستقر/شدن

جا/دادن

ستهم

مقیم/شدن

دوختن

فرازمینی

دوشیدن

فراسرزمینی

آمیزش/جنسی

جماع

جنس

اشرافیت

نخبه‌سالاری

اصیل

دودکش

وسواس

پاکیزه

مردسالاری

پدرسالاری

غفلت

غفلت/کردن

تخلف

مغفول

جنجال

پژوهشگر

محقق

وهم

عقل/سلیم

توهم

انگل

طفیل

مستمری

پی/بردن

تاکستان

مبنی/بر

افزون/ بر/این

بنا/به

جریب

ابعاد/بعُد

جزئی

جابجایی

تراکتور

مهلت

خرافه

تعجب

تعجب/ساختن

تاوان/گیری

عفت

معیشت

امرار

بدیل

تقلید/کردن

فتیش

ارشد

عاری

مجری

سرسخت

عرصه

بادام

گردو

چارمغز

سخنگو

ابهام‌

استناد

گزاردن

درون‌همسری

ارث

وراثت

موروثی

تکاندن

تکان/دادن

لرزش

لرزیدن

تکان

سطحی

جهش

ارتعاش

رعشه/انداختن

تنک

کم/عمق

شرم

سرافکندگی

چوپان

گوسفند

شبان

عامیانه

شکل/دادن

حصه

تیز

به/اشتراک/گذاشتن

کفش

پیراهن

ریش/تراشی

کرته

رف

پناه/دادن

براق

تیراندازی/کردن

درخشان

صدف

پوسته

لاک

خمپاره

لاک/پشت

هاوان

شوک

تکان/سخت/خوردن

شوکه/شدن

تکان/دهنده

کوتاه

انتقال

انتقال/دادن

تزریق

هم‌سو‌کردن

تزریق/کردن

معجزه

شایع/ شیوع

هودی

شالودهٔ

تلقی

رذیلت

هلیکوپتر

فضیلت

تلقی/کردن

شبه‌نظامی

بالگرد

حیاط

بهتان

تهمت

گفتمان

عقرب

خرچنگ

بید

اغما

کما

دوش

کتف

خروشیدن

رگبار

دوش/گرفتن

شاور

حمام/کردن

شاور/گرفتن

خجالتی

ضلع

کناره

یک/وری

به/پهلو

امضاء

بینایی

امضاء/کردن

سیگنال

معنی/دار

ابریشم

ابله

بچگانه

کودکانه

نقره

سیم

مشابه

همسان

شباهت

مشابهت

تشابه

سهولت

سهل

سطر

روزه

رمضان

روزه/گرفتن

وضو

آبدست

اکتساب

علو

پیمانه

ثانیه

واکسن

واکسن/زدن

ویروس

استخراج/کردن

باطل/کردن

فسخ

بیع

دادوستد

وسیلهٔ/نقلیه

زره‌

دوجانبه

تقویت/کردن

مقدم

آباد

باصفا

رونق

بستان

کشت/کردن

از/وقتی/که

سرودن

غرق/شدن

فرو/رفتن

کرسی

مهارت

زبردستی

اروین

ماهر

پوست

دامن

الاغ

آستین

قاچ

لزگه

قاچ/کردن

سریدن

لغزش

لغزیدن

لیز/خوردن

اندک

خفیف

شیب

آهسته

یواش

لغزنده

احضار/کردن

همزمان

فرآوری

معدن

کان

دیپلماتیک

موقف

موسوم/به

تملق

تملق/گفتن

متملق

مشاور

تذکر/دادن

همجواری

مایه

ارزش/قائل/بودن/به/چیزی

مضمون

پریروز

اواسط

سانسور

سانسور/کردن

تسویه/کردن

آبادی

گرداب

نصرت

راستا

یاغی

شر

موثق

وثوق

بلامنازع

خرده

زرنگ

زیرک

دود

سیگار/کشیدن

دود/کردن

سر/و/صدا

درهم/شکستن

بو

بو/کردن

بوییدن

لبخند

لبخند/زدن

تبسم

مار

برف

برف/باریدن

بنابراین

صابون

صابون/زدن

اجتماعی

محاصره/نظامی

اجتماع

جوراب

نرم

نرم/افزار

عسکر

سپاهی

جامد

راه/حل

محلول

بزاق

تف

خدو

سخت/افزار

منع/رفت‌وآمد

قوچ

وضاحت

فیصله

انکشاف

مذکور

وضوح

حواس/پرتی

حواس/پرت/کردن

چور

انحراف

منحرف/شدن

زنديق

آخرت

حمل/کردن

ایجابی

سلبی

هژمونی

عقب‌نشینی

محو/کردن

تمجيد

تجلیل/کردن

تکريم

یخ/بستن

یخ/زدن

دستگیره

گزر

خوش/بین

بدبین

تنزیل

کسر

کمبود

کسری/بودجه

پشتوانۀ

مامنی

مزار

تلافی

خدمه

پروسه

سوگواری

خود/جوش

منقول

وثیقه

اسکناس

متکی

موجودی

خودپرداز

بدین

کارت/نقدی

واگذاردن

گشت

ارشاد

سیلی/زدن

سیلی

شپلغ

توپک

پتو

دواج

لحاف

تفویض/کردن

وَلی

قیم

قیمومت

انتداب

وکالت

جنگ/وکالتی

لحن

پیادهرو

سنگفرش/کردن

فرش/کردن

مفروش/کردن

احراز

واضع

مسالمت

راهبرد

تبعید

نفی/بلد

سودا

تملک

فقه

تملیک

افتراض

مسالمت/آمیز

کوسه

فلس

پولک

کارساز

بطریقی

بیک/نوعی

گاهی

اندکی

قدری

ترانه

آواز

نغمه

بزودی

گروهیستن

مرتب‌سازی

رتبیدن

صوت

صدا/کردن

سوپ

چشمه

دشتر

دشتری

فضا

یدکی

زاپاس

کلام

گفتار

متکلم

گوینده

ناطق

نطق

رنجش

کثرت/گرایی

پروتئین

مولکول

الکترون

پروتون

نوترون

آمینواسید

پپتید

مونومر

پلیمر

بسپار

تک‌پار

گلوکز

کاتالیز

فروکافت

کاتالیزور

پمپ

تلمبه

مکنده

آنزیم

میکروب

ریزسازواره

تکانه

ریشه/کن/کردن

ارمغان

زی‌مایۀ

بوره

یادگاری

یادمان

ادویه

متعاقباً

حاکی

عامه

وقوع

منتهی/شدن

شاهراه

مقر

عطر

آزادراه

تقطیر

بلافاصله

نشیمن

پذیرائی

پذیرایی/کردن

تجار

قُلُپ

نواله

معیوب

معطوف/کردن

حیف

نمایان/ساختن

پایداری

صلب

صعب

ثبات

اصطبل

طویله

کارکنان

بهار

افشانک

آبپاش

افشانه

کس‌خل

لکه

قاشق

چمچه

یغما

گندیدن

افشاساز

افشاگر

شکافتن

انشعاب

چاکیدن

بشکلیدن

قسمیدن

عنکبوت

تارتنک

جولا

آهنربا

هجی/کردن

املاء/کردن

اسهال

یبوست

غایط

قبضیت

فضله

احتباس

سُنده

تَپاله

تعویق

پِهِن

پیخال

عارضه‌

انقباض

مویز

کشمش

سفال

رس

همبستر

همدم

کاردار

مصاف

سیمان

بیل

انزوا

تردد/کردن

برزگر

شجره

مادیان

شغال

ابرو

مژه

وارث

نرمهٔ/گوش

زرگر

بایگانی

آرشیو/آرشیف

ایستگاه

ایستهای/بازرسی

محاصره/کردن

گرداگرد

احاطه/کردن

تحلیف

اقتباس

غلتیدن

الهام

الهام/بخشیدن

استنشاق/کردن

زفیر/کردن

دم/برآوردن

مکاشفه

قریه

وحی

مرتبه

نسک

رکن

سرازیر/شدن

مجید

سنگواره

فسیل

افسون

معنوی

تفتال

آتشفشان

ماگما

فوران

فوران/کردن

گدازه

چتیات

گهواره

خلا

متخاصم

آب‌گرم‌کن

گرمایش

دیگ‌ بخار

اجاق

بخاری

هیزم

دیگدان

تیرکمان

پلخمان

فلاخن

خرج/کردن

صرف/کردن

اخص

پله

تمبر

تمبر/زدن‎

قمارخانه

کازینو

تاپه

هیولا

پایمال/کردن

له/شدن

لگدکوب/کردن

پامال/کردن

ستاره

خیره/نگریستن

خیره/شدن

بیانیه

سرگشاده

مجسمه

سرقت

بخار

وشم

قدم

قدم/زدن

فلکه

ابلاغ

تغذیه

سوءتغذیه

خوشِ(کسی)آمدن

تربوز

بادنجان/رومی

امیر

دلچسب

ذمه/داری

حاد

وصلت

مواصلت/مواصلات

نشانه/گرفتن

بدر

از/راه/بدر/کردن

سپری/کردن

بسر/بردن

کشنده

برودت

راس

ماشیه/مواشی

ستور

چهارپا

پیهم

در/عین/زمان

ترادیسیدن

مسخ/کردن

لواط

اعوجاج

عوامانه

هالوسه‌

سرازیر/کردن

سراشیب/کردن

سراشیب

موطن

بیرون/زدن

سفتن

سپوختن

خنجر

سوراخ/کردن

چسبنده

خلیدن

سهام

معده

چکیده

خلاصه

بس/کردن

استراتژی

استحکام

بیگانه

غریبه

استرس

امتداد/دادن

اجنبی

مفقود

کفیل

در/خصوص

منشور

ذیل

دنباله

بازیافت

چمن‌زن

سیلاب

گندم

چهارراه

مردم/سالاری

جنگسالار

مرزیدن

گائیدن

فرو/کردن

مناقشه

هرزنامه

جنایی

تعذیر

نقاب

روبنده

پوشیه

ماسک

صورتک

سلتراج

زیرتنبانی

ماهی/مرکب

روبیان

خرچنگ/دریایی

تذکره

پتلون

جبر

خرگوش

تعفن

فرادستی

نخوت

حیران

فاضلاب

پساب

سطل/آشغال

زباله‌دان

خلاندن

معاند

تگرگ

کمیاب

آبکی‎

رقیق/کردن

سویه

سچه

فلان

بهمان

انعطاف/پذیری

عازم

انعطاف

مجدد

شکر

حامی

پشتیبانی/کردن

آفتاب

خورشید

تعویض/کردن

جانشین/کردن

کامیابی

سرسبزی

کامکاری

کامرانی

توفیق

کامروایی

برخورداری

مطالعه/کردن

ساختار

سازه

استودیو

هنرکده

تنازع

کشمکش

چخیدن

ضربه/زدن

اعتصاب/کردن

اکید

سخت/گیر

مورب

لخت/کردن

مکیدن

برهنه/کردن

سکته

چنین

چنان

رنج/بردن

سوپرمارکت

فروشگاه/بزرگ

کت/شلوار

دریشی

کراوات

خواستگاری

گدایی/کردن

دادخواست

زور/زدن

نماد

ناله

نالیدن

کوزه

بلژیک

سوئد

سوئیس

یکپارچه

گنجاندن

تریبون

پیش/دستی/کردن

گمانه/زنی/کردن

جستار

انشاء

بلعیدن

اوباردن

فحش/دادن

سوگند/خوردن

نوشین

زنده/ماندن

بقا

ظن

سوء/ظن

ظن/کردن

مظنون

بدگمان

مشکوک

ظنین

سوء/ظن/داشتن

عرق

عرق/کردن

خوی

پلیور

شنا/کردن

همدردی

سیستم

جراحی

نوسان/کردن

تاب

فروغ

تلو/تلو/خوردن

تاب/خوردن

تکان/خوردن

تاب/دادن

سویچ/زدن

کلید/برق

متورم/شدن

ورم/کردن

جارو

رُفتَن/روبیدن

جارو/کردن

آبرو

رعیت/رعایا

هنجار

کلا

بلاغت

فصاحت

لفاظی

رژه

بزرگداشت

گرامیداشت

یادواره

یادگاه

حوالی

پارانویا/ پارانوئید

سهل‌انگاری

بدگُمانی

سیطره

بد/آمدن

خوش/آمدن

التزام

اغوا/کردن

آیین

روی/آوردن

لفاف

کشسان

کنس

توبه/کردن

آموزگار

معلم

دم

تانک

قوری

متن/متون

ترموس

فلاسک

تاکسی

هدف/قرار/دادن

شیر/آب

روی/چیزی/ضربه/زدن

بکار/بردن

تکل

راگبی

باج

باژ

مالیّات

تیم

منزلت

دنب/دمب

اشک/ارس

دریدن

پاره/کردن

سوا/کردن

تکنولوژی

فناوری

تکنیک

دما

موقت

دماسنج

تلویزیون

فنی

پارگی

آمرزیدن

آمرزش

کفاره

قطعنامه

پیاده/سازی

دیاسپورا

بیعت

بعیت/کردن

برپا/کردن

اقامه

مستحب

اذان

تداعی/چیزی/شدن

پیامبر

بلندگو

لاشه

گراییدن

رغبت

میل/کردن

مخوف

خطه

خوف

گرونده

تازه/کیش

گرویدن

هراس‌افکنی

ارعاب‌گری

ارعابگر

قلدری

سپاسگزاری/کردن

تشکر/کردن

تئاتر

خودشان

ضخامت

ضخیم

کرامت

مصلح

قلمداد/کردن

تهوع

ارنگ

دیپورت

بیرون‌راندگی

تجویز/کردن

خُلق

نومیدی

کنیسه

کرانه

دامن/زدن

زاویه

شعاع

رایون

غروب

شامگاه

ضرب/و/شتم

پیش/درآمد

جرح

جراحت

درآوردن

گلاویز/شدن

مابقی

اعظم

بوق/گذاری

ناسزاگویی

مشهود

مجددا

دایما

صدد

کرکره

خال/کوبیدن

وشام

دست‌بند

نما

اسلحه

تپانچه

لطمه

تصاحب/کردن

تشنج

متشنج

سرشناسی

پریز

تسهیل

تقلیل

تشدید

سارق

تشنگی

غلیظ

لاغر

تهدید

تهدید/کردن

گلو

حلق

مری

آرم

نشان‌واره

ساحه

زراعت

مملو

آواره

خانمان

مثابهٔ

مدام

وقار

شأن

جق

دمار

استمنا

دخیل/بودن

شهرداری

هنرجو

ابداع

از/میان

عده

گشنیز

زیارتگاه

صرفا

مچ

معنای/ضمنی

نوسازی

درگاه

عتبه

عایده

شهرک

تبر

معادله

کفالت

نشت

مجذوب/کردن

شیفته

دلباخته

شیدا

دلبسته

سرطان/زا

بیماری/زا

متلاشی

گسیختن

بن/بست

دبیرکل

علما/عالِم

عالم

شبه

فالگوش/ایستادن

شنود

زمزمه

استراق/سمع/کردن

رسوایی

مستاجر

اجاره‌نشین

اصولاً

روباه

چنانچه

قَلّاده

شست

گاه/فهرست

قلع

ارزیز

حلب

قوطی

کوچولو

توک

انعام/دادن

نکات(پند)

لاستیک

کاپوت

عنوان

دستشویی

تشناب

توالت

گوجه/فرنگی

تُن

دندانه

دندان

مبحث/مباحث

برج

توریست

سیاحت

سیاحت/کردن

گشت/کردن

آبچین

حوله

پیشگیر

اسباب/بازی

بازیچه

لیسه

جفا/کردن

تبیین

سپهر

قاطر

گاری

کالسکه

ارابه

گردون

ردیابی/کردن

پی/کردن

پیگردی/کردن

تراداد

ترافیک

شدآمد

قطار

آموزش/دادن

منتقل/کردن

دگرگون/کردن

گذار

منتقل/شدن

واگذاری

حمل/و/نقل

ترابری

ترابری/کردن

تله

بدام/انداختن

در/تله/انداختن

پسماند

پوشه

اهدا

فرم

منصرف/شدن

قتل‌/عام

آزادگان

رادمنش

راد

بهداشت

حفظ/الصحه

نارنجک

تمدید

بیکران

حکمت

نارنگی

کینو

نارنِج

تخمه

پوشک

چشمک/زدن

پلک/زدن

خودآگاهی

هشیاری

غار

غارنشین

روایی

عزت/نفس

پیگیری/کردن

آوار

خاکستر

ماتم

مهیب

پس‌لرزه‌

رومرکز

کارگاه

انقراض

اسارت

نکبت

دسته/جمعی

ترغیب/کردن

خبیث

ایراد

تحریر

قبیح

شنیع

خون/آشام

ولو

منتها

قشر

نرم/کام

فواره

سخت/کام

واکه

روسری

لچک

اکسیژن

شال

هواشناسی

توله

اشباع/)چربی/غیر/اشباع

متقاضی

کنشور/کردن

وصف

تعرض

قساوت

مسکونی

عقاب

کافه

تشکل

تحادیه/صنفی

سندیکا

موشور

شوشه

ارتقاء

تدبیر/تدابیر

ستاد

سامان‌

سامان/دادن

کافت

مخفیگاه

ماموریت

طرد

نخاله

نامرغوب

بها

تفاله

محاکمه

درمان/کردن

رفتار/کردن/با

گول/زدن

حیله/زدن

درخت

شجر

درازنای

روند/بازار

خیل

کامیون

گرمسیری

دوقلو

چندقلوزایی

توکل

واپسین

تونل

دالانه

خمیازه/کشیدن

فاژیدن

دهان‌دره

کارگزار

زیویدن

میزان/کردن

وفق/دادن

کوک/کردن

تایپ/کردن

غایی

چتر

زیرشلواری

بیکاری

ناگاه

غیر/منتظره

مردد

مایه/تاسف

واحد

کیهان

کاربر

بی/فایده

انگیزش

غیر/عادلانه

زیرزمینی

متحد/کردن

غیر/ضروری

غیر/دوستانه

منحصر/به/فرد

بی/نظیر

یکتا

یگانه

بی/دلیل

نامعقول

نامهربان

شهری

در/زیر

یوغ

تیره/بخت

بخت/برگشته

نامطبوع

بی/اهمیت

متغیر

اونیفورم

لرزان

ناخواسته

بی/میل

فوقانی

نشاندن

دست/نشانده

طعنه

گواژه

بطرف/بالا

کنایه

جهل

صناعت‌

حسن‌نیت

انتفاع

عاریت

فطرت

برگرفتن

تعالی

ضابطه

مباهات

مبسوطی

ته

نسیم

سرپستان

نوک/پستان

مطلب

استخبار

صندوقدار

دکاندار

دره

گرانبها

گرامی/داشتن

وَن

سبزی

حامل

پیروزی

عمودی

ویدئو

مبادرت

جسارت

مبادرت/کردن/به

خشونت

کم/و/بیش

پیدا

هویدا

ویدا

بازدید

دیدار

بازدید/کردن

دیدار/کردن

دیدارگر

واژگان

رأی

رأی/دادن

میکروفن

صدابر

موج

عید

دست/تکان/دادن

کف/زدن

کانون

سامانه

الغاء

قوا

کودتا

لوکس

اجرت

حجره

پرتگاه

برحسب

بذل

پیشخدمت

صبر/کردن

کمر

گنبد

پیاده/رفتن

کیف/پول

چنته

تار/عنکبوت

وب‌گاه

تارنما

سرگردان/بودن

پرسه/زدن

محاربه

حرب

گرم/کردن

هشدار/دادن

اخطار/کردن/به

متنبه/کردن

پوشیدن

هفتگی

ضایعات

اتلاف

اتلاف/کردن

غربال

الک

الک/کردن

باطله

مواظب/بودن

تماشا/کردن

کم/دوام

وزن/کردن

گرانش

استقبال/کردن

یکنواخت

عاج

بره

مرطوب

خیس

رایزنی

ولگرد

مطیع

فرمانبردار

تابوت

یقه

گریبان

یخن

جار/زدن

خرموش

خرگوش/صحرایی

قضا

از/قضا

الهی

سراغ

سراغ/گرفتن

لا

لای

عیادت

هر/چه

هر/گاه

نوجوان

هر/کجا/که

نجوا/کردن

پچ‌پچ/کردن

درگوشی

سوت

فلوت

گردباد

سوت/زدن

سفید

هر/کسی/که

وسیع

پهنا

زوجه

بال

جناح

شراب

باده

برنده

زمستان

باغ/وحش

لغت

آژین‌کاری

سوراخ‌کاری

قفس

پنجره

کار/کردن

کارگر

عبادت

پرستش

پرستیدن

عبادت/کردن

زرد

تعجب/کردن

در/ظرف

شاهد

شهادت

تصدیق

اصالت‌سنجی

شهادت/دادن

گواهی/دادن

تصدیق/دو/مرحله‌ای

عقب/کشیدن

عاقل

پشم

مفتول

اراده

وصیت

وصیتنامه

گیتی

پستانک

خاییدن

خسیدن

اروغ/زدن

آروغ

عطسه

عطسه/کردن

خرابکاری/کردن

تثبیت/کردن

نحس

پرور

حقانیت

درنده

گوشتخوار

چالاک

راسو

طعمه‌خواری

فرز

چابکی

چست

ضربت/زدن

پویا/ پویایی

حیطه

قطب‌نما

محاوره

نسخ

منسوخ

ایفا/کردن

اراذل

اوباش

مسافت

لطیفه

توسل

مغلطه

مغالطه

واج

واجشناسی

رواج

جایز

روا

چشمک

پلک

غرغر/کردن

مشغله

غافل‌گیرانه

اغفال

غافل/کردن

کمین

کمین/کردن

تألیف/کردن

فراهم/آوردن

گرد/آوردن

شپش

کک

رِشک

سشوارِ

مو/خشک‌کن

بوقلمون

فیلمرغ

الیاف

زین

نخ

بند/کفش

زیپ

غرغره/کردن

دال

مرجو

عدس

سیر/کردن

پلکیدن

موچین

چروک

کارتن

مقوا

اسکلت

استخوان‌بندی

بدو

تحلیل/رفتن

کنه

استهلاک

فرسودن

قسط

ساییدن

بادبادک

کاغذپران

به/روزرسانی

جغد

کفتار

کلون

شبیه/سازی

تک‌کشتی

اَمپِریالیسم

بهره‌کشی

استثمار

بافت

هیدروژن

کروموزوم

ریزبین

میکروسکوپ

تلسکوپ

اخترشناسی

فلج

منصب/مناصب

قبیل

از/قبیل

قرنطینه

وی

ملازم

منزوی

پوستر

دیوارکوب

خربزه

ایزوله

هندوانه

خداشناسی

اِلهیات

قضا/و/قدر

واگیر

طاعون

دنیاگیری

همه‌گیری

سرماخوردگی

باشگاه/ورزشی

ذینفع

روادید

درون‌نگری

تبعه/ اتباع

تفرج

تفرجگاه

آتش‌نشانی

متلاطم

تلاطم

تصفیه

گندزدا

مجرا

فاضلاب‌زدایی

مکاتبات

بوم‌سازگان

بوم‌شناسی

دربرگرفتن

برآیند

مرزبانی

مچله

کلونگ

الش/کردن

رختکن

لکتو

لیکن

خلع

عنوان/کردن

لنگر

مهیا

نمد

خواجه

اخته/کردن

آغا

بیضه

عقیم

خایه

خاگ

سیاهمست

پیراستن

دباغی

سردار

نجوم

چندان

والی

استاندار

وسوسه

فتنه

تسلیم

فراورده

مسافرخانه

قهوه‌خانه

معاشرت

نمازخانه

دفترخانه

تیمارستان

سوژه

کاریکاتور

متضمن

حاوی

شاهین

کاکایی

لولو/خورخوره

بربر

تنور

زغال‌اخته/آبی

سیاه/گیله

توت‌آبی

آبگینه

لعاب

کربن

آلی

سرامیک

خوردگی

استوانه

مخروط

توت‌فرنگی

اتابک

شپل/شپیل

اندیشمند

فیلسوف

خواه

تاثر

تالم

واسکت

سرانگشت

لنگ

کنیه

زنا/محصنه

مخمر

فرورفتگی

برآمدگی

پیش/رفتگی

جلو/افتادگی

عادت/کردن

آیه

زیردست

فرودست‎

پیوستار

ترکهٔ

گوش‌پاک‌کن

پنبه‌گوش

کلک

دهان/شیر

فرومایه

وردنه

همت

بلند/همت

همگرايي

رقم/زدن

هرزه

قلقلک/دادن

پاخلوچه

گورکن

همستر

دهان/کیسه

برکندن

ژوژه

جوجه/تیغی

خار

آفتاب/پرست

کائنات

مه

دور/فرمان

ساقه

تنه

جثه

قلوه‌سنگ

سنگ‌ریزه

مَهْر

کابین

جهیز

توالی

آسیابِ/بادی

آس‌باد

توربین

بادگرد

زردآلو

پرستشگاه

لذیذ

بدمزه

کاکتوس

آبزی‌دان

آکواریوم

سلول

پرسلولی

پنچر

تمساح‌

سک/زدن

تخلخل

خودخواهی

سلیقهٔ

زجر

رباخواری

رباخوار

ندامت

انفعالی

گیر/بودن

بند/کردن

حبس/کردن

پشته

گیره

نفیس

حشم

ثقل

دهاتی

مزرعه/دار

زکاب

ریسندگی

گیس

گیسو

ریسیدن

حلزون

رنگین‌کمان

دادگر

اجاق/گاز

احتراق

اشتعال

افروختن

منثور

منظوم

قدما

اوباش‌گری

آشوب‌گری

هولیگانیسم

شرورگری

لات‌بازی

تخریب/گرایی

وندالیسم

دیوارنگاری

گِرافیتی

لاینفک

ترهيب

دهکده

خودداری

خواب/آلود

خفتن

خوشه

کاه

نی

بجه

تف/کردن

قافیه

هم/قافیه/بودن

بیت

مصراع

پارنوشته

پاراگراف

قصیده

مدح

ذم

حماسه

مبتنی

مظهر

چكامه

نجس

مصرع

شکوه

جلال

تندیس

نوشابه

دیابت

سینی

پتنوس

خسربره

بوت

مسکه

لنگی

کلانتری

نیشگون/گرفتن

منفور

نزاع

فراریت

گریزگری

آب‌گریز

قند

متعارف

مرتع/مراتع

مکعب

جلوه

استحصال

عموم

جبلت

تدریس/کردن

واخواهی

گوه

گمنامی

ناشناسی

آفت

آفت‌کش

موریانه

یارا

طغیان

پروا

شفیره

کرمینه

لارو

نافرمانی

طغیان/شدن

تمکین

کلاغ

کلاغ/لاشه

کلاغ/گردن‌بور

غراب

زاغی‌

بارگیری

بارگذاری

چپلک

صندل

چپلی

دمپایی

سلیپَر

شب‌پرک

خفاش

ستون/مهره‌ها

ستون/فقرات

مازه

قفسهٔ/سینه

نحیف

بع/بع/کردن

گوشواره

گراز

گوزن

مرال

ارج

رسوب

ته/نشست

امت

امانت

جیرجیرک‌

شب‌پره

شاپرک

دفعه

پیله

آنتن

دگرنشینی

متاستاز

کپسول

تومور

ابطال

سنجاب‌

قطر

ترامون

دیجیتال

کفشدوزک

بت‌پرستی

بت

شامپو

زرده

مدارگان

حارّه

نیشکر

جیوه

محفظه

زنا/با/محارم

درون‌زایی

دسترخوان

نخود

آزار/تعقیب

نگاه/دزدانه

زیرچشمی/نگاه/کردن

صیانت

زائر

حاج/حجاج

احداث/کردن

حدث

شبانه/روز

طمع

الی

دژوان

زاریدن

جبین

سوغات‎

فرعی

قبرغه

کالبدشناسی

کالبدشکافی

آسیب‌شناسی

بالینی

انعقاد

لخته

لزج

جریده/جراید

کرت/کرات

بدعت

آله

ثواب

قواره

شبح

سالگی

غور

زیور

بردار

افراشتن/افراختن

سرخرگ

رگ‌برآمدگی

آنوریسم

بیرون/زدگی

شعور

نیا

نیاک

خجسته

مدادتراش

پاک‌کن

پیژامه

جزوه

منفذ/منافذ

کلر

ملح/املاح

غشاء

اسمز

سپر

جرثقیل

سرنگ

عدسی

کدر

واگرایی

جاهای/دیدنی

دیدنی

اصطکاک

شهربازی

علف/هرز

شته

هرم

هرم/ اهرام

فال‌بینک

پینه/دوزک

تندر

صاعقه

آذرخش

ابرنجک

جرقه

عقربه

سحری

افطار

روزه‌گُشا

فقدان

سکسکه

برچیدن

پیچند

معایب

ترمز

کولاک

نعوظ

تناسل

شهوت

اِنزال

دست‌کام‌دهی

لوحه

وقیح

دبه/درآوردن

نکول/کردن

دبه

دیوث

واگرداندن

واس

گشنه

واسه

آهیختن

تلخیص

اختصار

آهنجش

تجرید

انتزاع

انضمام

براعظم

حائز

سیاف

شمشیرگر

شهسوار

شوالیه

بدرام

پدرام

پیمانکار

سرپناه

سرمنشا

مزدور

پیش/آمدن

هشت‌پا

اختاپوس

جریحه

فروزان

رودررویی

سرکار

اهمال

کوتاهی/کردن

فروگذار/کردن

ماهواره

سماوی

قمر

گویا

آلترناتیو

آنتن/سَهمَوی

نروژ

ژاپن

مجارستان

عراق

سوریه

لبنان

کره/جنوبی)( کوریایی/جنوبی

اوکراین

خیزش

اعتبار/نامه

ریکشا

هوش‌بری

پفیوز

سر/باز/زدن

انتساب

هویتیابی/کردن

نیمکت

بازدم

میان/بند

دیافراگم

تهویه

اهتزاز

انس/گرفتن

آمخته

ریشخند

استهزا

چه/برسد/به

تبتل

تبتل/ورز

پیچ/کش

باکره

باکرگی

دوشیزگی

صفاکار

سوهان

نظافتچی

رنده

پنبهٔ/نسوز

وارسی

چک/کردن

سحرگاه

پگاه

شفق

سپیده‌/دم

روان‌آسیب

آسیب/روانی

سایکوپاتی

تِکانش

تکانشگری

دانا

مکمل‌

سرشار

داروسازی

داروشناسی

فشفشه

ترقه

آتش‌بازی

کوره

آتشدان

شمارا

تناسخ

سمساره

معاد

بامیه

آم

انبه

مصر

مقرون/به/صرفه

مسیحیت

نشانک

چوق/الف

تعبیه

آوا

باشعور

برقکار

آرمان‌شهر

تناظر

لوله‌کش

نارنجک‌انداز

راکت‌انداز

موشک‌انداز

ویرانشهر

سره

زنبور/سرخ

زنبور/بی‌عسل

زنبور/گرده

نیزه

الماسک

مهمان‌نوازی

زعامت

فیلم/مستند

کاربلد

تیغه/بینی

سرکس

سیرک

مصالح

مستراح

پویانمایی

کارتون

افتضاح

عریان

ملعون

پایه/ستونی

التهاب

بَراَفروختگی

آسم

مهد

برآورد

محتسب

انجیل

فرقه

ثقافت

طاووس

ژنوم

پادزهر

بیهوش‌کننده‌‌

حریت

آرام‌بخشی

بارز

طناب/نخاعی

هموارساز/بولدوزر

توانبخشی

بازپروری

شهاب‌واره

بارگاه

روسپی/درباری

فاحشه/قراردادی

دور/زدن

هرس

هرس/کردن

لالایی

کنام

آشیانه

آموت  
زه

زهدان‌

کالبدگشایی

فرغون

کراچی

چرخ/دستی

پیتزا

کارگروه

مردم‌ستیزی

انسان/گریز

مردستیزی

سجاوندی

براکت

غوطه/وری

غوطه

تکواژ

زبر

واقف

تصریف

سیارک‌

منظومهٔ

مریخ

دنباله‌دار

شهاب

آخوندَک

بهرام

هرمز

برجیس

ناهید

زهره

شمسی

آهوره

اورانوس

پلوتون

نپتون

عطارد

زحل

کیوان

اخذ

رایانه

صیغه

منسوب

عقد

فنوتیپ

ژن‌نمود

رخ‌نمود

ژنوتیپ

هم‌بالینی

هم‌باشی

بافتن

پود

منقل

ترجمه/حال

حسب/حال

زندگینامه

دانشنامه

آبیاری

لیگ

کشتی‌گیر

ستردن

مستاصل

بیخ‌

غربت

نوستالژی

کلاشی/کردن

آهنگساز

فضولی

بستو

خمر

از/پاي/در/امدن

طرلان

خاندان

کفرگویی

تفتیش

ژنرال

اَرتِشبَد

غوطه/ور/ساختن

بحر

جانماز

کرکس

اردک

اردک/وار/راه/رفتن

اردک‌ماهی

بالکن

ایوانک

پیشگام

سخاوتمند

پروتاگونیست

آنتاگونیست

بدذات

تنیدن

چانه/زدن

مغولستان

ایثار

بطن

سنگسار

دریل

مته

دستگاه/حفاری

آژیدن

برق‌کار

جوار

خطیب

فزونی

کیفرسِتانی

کیفر/جو

خونخواهی

لقاح

ضد/بارداری

برف‌سری

اسکی

ناوبری

تمیم

زوال

علیت

رمیدن

متفق

حليف

نصير

کویر

تکثر

تقبل

آتشکده

متناوب

حنا

آتشگاه

سوق

خیاط

کاور

مخمصه

دردسر

دغمسه

غوغا

هیاهو

بایسته‌

رنگارنگ

پایبند

وقف

ادا

ادا/درآوردن

کرشمه

غمزه

عشوه

لاس‌زدن

مترتبه

آکنه

رخ‌جوش

چرکدانه

جوشدانه

تاول

آبله

بثر

سنگلاخ

غیور

حمیت

احدْ/آحاد

گرو

گسیل

بی/تاب

دلداده

گارد

ساده/لوح

ساده/دل

دَربِدَر

کاشی

حکّاکی

قَلَم‌زنی

همانا

داداش

کشند

جزر/و/مد

آه/کشیدن

شهربانی

فرخنده

انسجام

جمیل

جمیله

من/جمله

تصنع

تکلف

تعقید

جماعت

پلمب/شدن

مجتمع

پلاک

زایمان

جوش/خوردن

سر/گرفتن

نرماده

غنچه

شکوفه/ شکوفایی

مشقت

شکفته

محنت

دوبله

پیکرتراشی

هرزه‌نگاری

مستهجن

پورن‌استار

بردباری

رکورد

پارادوکس

رواداری

مدارا

تسامح

تساهل

ستوان

تازه/کار

متناهی

خایه‌مال

منها

تفریق

ملاطفت

ضرب‌الاجل

ضرب/المثل

چوکات

عطرآگین

پاییدن

درایت

نعش

سیکتیر

گرجستان

گوش‌گیر

گوش‌بند

ارمنستان

آذربایجان

نساجی

ماسوره

مشله

پاتیل

آببند

بند/ناف‎

شورهٔ/سر

اسکالپ

کرانیوم

فرهمندی

گیرایی

کاریزما

چرخ‌ریسک

دوگوشی

هدفون

گردان

تیپ

لوا

لشکر

راهکنش

هنگ

غند

یگان

امروزه

وجب

عمران

بشکه

فواره/زدن

شیرمال

گل/قاصدک

عابد

لج

توتیای/دریایی

خارپشت/دریایی

نمایشگر

وزغ‌

سنجاقک‌

طب/سوزنی

اِستِتار

همرنگی

سعادت

جلاد

تجسم

مصرانه

زن/ذلیل

گچ

طباشیر

ماژیک

رژ/لب

بارگنج

کانتینر

ندا

فاک

کوفتی

سوسول

ننر

غایت

لوس

کهیر

راش

جوش

مفسر

زگیل

وفور

سیخ/سیخ

وهله

غرش‌

اخوت

مسبب

جیره

تبهکار

پارسال

آلونَک

جدال

چز

رقت/انگیز

داربست

ره

هلاک

تظلم

متولی

لنگه

سربار

تحکیم

تنگاتنگ

ثِقل

تراویدن

ترشح

خلال

زهکشی

زائل/شدن

ممیز

دسته‌روی

مشمول

ایام

بخدمت/خواندن

تنگنا

بضاعت

خفت

بحبوحه

شاقه

حک/کردن

شاق

آبه

جوی

نهر

جویبار

قنات

کاریز

پُشتَک

نیم/پشتک

کاسب/کسبه

خزیدن

گرد/کردن

ناحق

سربالا

همراز

مثله

دستاک

چنبر

درون‌بینی

چوگان

پوزخند

طیب

طبیب

پایانه

فضانورد

لاشی

ملغمه

غده

قرط

گلیم/جمع

مستفید

عیار

تردست

رامش

جوانمردی

بزرگواری

جواز

سکون

رکود

هجا

همخوان

پیش/فرض

پری

کندو

آژیر

به/هم/زده/بودن/با/کسی

کرواسی

به/سر/زدن

خاکریز

مدال

میش

خرچسونه

مَلا

ممتد

دوات

تٲمینات

نایب

موکِل

ذی‌شعور/بودن

هم/پيمان

کولر

آبتنی

آهو

قصور

عرش

استنباط

اجتهاد

فحاش

پرویز

تجددگرایی

کفن

نظاره

پستان‌بند

سوتین

روبالش

روکش

ظرف‌شویی

خصلت

نهادینه/کردن

راهداری

ادات/ادوات

توپخانه

راکد

خمود

تذکار

تهییج

صندوق/رای

تنگه

پیاده/نظام

سواره‌نظام

تصویرسازی/ذهنی

استعاره

بازخورد

غاز

قو

مهماندار

رهگیری

فتیله

حقه

مکار

فلات

خلط

تلگراف

تلگرافخانه

طرب

طهارت/

استنجا

فانی

انوشگی

صاحبخانه

موجر

لحیم

آلیاژی

سفره/خانه

کارواش

خودروشویی

تعمیرکار

موسم

پـیکه

درنوردیدن

بیدادی

نوردیدن

ماقبل

روشویی

پایان‌نامه

تز

رساله

توحش‌

برزخ

اداره/کل

آمایش

متکفل

مدیر/کل

عودت

گندنا  
تره‌فرنگی

کوفته

بولانی

کدو

بی/پروا

بی/ملاحظه

درو

کنیز

سردرگمی

مرمی

مهمات

هرج‌ومرج

عروج

متوفی

ریسمان

فلک

ملیم

آشامیدن

مدینه

فاضل

ژاندارمری

مراسله

مسیو

هنگامه

درگرفتن

شهامت

گیرودار

منطبق

نشید

ضرب‌آهنگ

رسواگر

موج‌سواری

راهبری

شناور

سقم

هواگرد

فضاپیما

بارج

دوبه

سکّان

لولا

بالن

تشییع

فاتحه

قرائت

بدرقه

وداع

معبد/معابد

ای‌/بابا

حرف/ندا

به/به

دِ

اِه

آخیش

آخ

اَه/اَه

آخیییی

شترمرغ

مشایعت

استمداد

جگرخون

هیچ/‌انگاری

نوید

تیله

گوله

تشله

تفاضل

زننده

جلف

سبکسر

چول

چاشت

دست/کم/گرفتن

تخمین/کم

دست/بالا/گرفتن

نثر

بنر

گرگومیش

عصبیت

مذاب

حسابرسی

تفریط

کپک/کفک

ضحاک

اره

برافتادن

ابا

آبنبات/چوبی

جو

غلات

قندل

زعفران

پسته

حلقهٔ/گل

مورخ

خودمحور

خروپف

خرناس

بی/حرمتی

هتک/حرمت

ژفیدن

خواباندن

ترچاشنیدن

پچک

چرب

ماش

پلو

مدیترانه‌

افغان/فغان

معارفه

دائرةالمعارف

اِی

کنجد

حیرت

بهت

سرگشتگی

علوفه

حبوبات

وا

اِوا

اَاَ

اُوه

نُچّ

نُچّ/نُچّ/نُچّ

مغرضانه

نامتوازن

صدک

تراکم

جوابگو

معاهده

مباشر

متصدی

کمیساریا

اقتدارگرایی

طاغوت

دژسالاری

جباریت

توسری

هوچی

هو

شواف

جار‌و‌جنجال

غضب

صالح

خوانده

خواهان

مزید

نصاب

یک‌دل

دادخواه

دیرباز

زیردریایی

شناوه/بویه

از/سرگرفتن

انسان‌دوستی

اتصاف

موصوف

گند

اتاق/سنتی

بزرگ/منشی

زیرانداز

متقن

سناریو

لت/و/کوب

قیر

آسفالت

مسابقات/چندجانبه

اعلیحضرت

قیف

مچاله

دوربرد

دماغه

دیه

ادب‌/کردن

تعزیر

مستبعد

نگاره

استحاله

دگردیسی

گوشی/پزشکی

ذکاوت

اجندا

سوسن

زردچوبه

کز

غیظ

استقامت

بالیدن

نمو

تناور

تنومند

اهرم

ازل

اعانه

هیکل

پیکره

چرخبال‌

واپس/گرفتن

اقارب

بابت

وفاق

سیاهه

تعرفه

مازاد

رانت‌خواری

صفرا

وان

بریده/بریده/نفس/کشیدن

حوض

دندان‌های/آسیاب/بزرگ

دندان‌های/آسیای/کوچک

خلعت

تشریف

پاشویه

درمانشناس

منوط

خیارشور

ملقب

رمق

ناشتا

طعام

خرمن

تلنبار

کمباین

بوتل

خلوت

سالک

تصوف

ریاضت

عزلت

مدلول

تزکیه

تهذیب

مراوده

مرشد

محبوبه

معشوقه

دلبر

احتراز

اعراض

اقبال

طالع

عایق‌کاری

لولیدن

سرا

جلا

سپنج

مرحوم

لالا

زاهد

خوابگاه

لیلیه

مغفرت

مشعل

غنایی

بسامان

جلغوزه

سفاک

مصطفی

رشید

استعانت

بدیع

بساط

تمشک

انبر

گوش/خیزک

چرخفلک/چرخوفلک

چرخ‌فلک،/اسب/چرخان

قطار/وحشت

قطار/مرگ

ترن/هوایی

کاکائو

بادیان

باجگیری

اخاذی

سفسطه

نشخوار

مملپی

بادام/زمینی

ترشی

آچار

گوشفیل

فیرینی

نُقُل

کوسن

کاناپه

کورت

شاهدبازی

هنجارگذاری

طایفه

تمثیل

مرید

نام‌آوا

استعاره/عنادیه

تناقض/ظاهری

خروس

معصوم

طراوت

تر

شاداب

بینه

حجت

فرنود

استطاعت

قزح

مبتهج

تمطر

دروازهبان

هافبک

پاس/دادن

استقرا

غیم

مزن

تاژک

سرسره

الاکلنگ

هاگ

عطف

عطش

عطوفت

سمور

لک/لک/سفید

نعل

سل

نهنگ

فرهیختن

نسق

منال

شطرنج

باب

بغاز

مستدل  
دارکوب

حسین

هلال

معرکه

تلقین

سرک/کشیدن

یواشکی

لنگه/نداشتن

نشیب

فراز

مُسند

مسند

اِسناد

احقاق

ارتشاء

راشی

مرتشی

اظهارنامه

طاق

باطن

توام

تبرک

یمن

فال

تفال

میمنت

شگون

طنین

پژواک

ولوله

اقلام

پیشی/گرفتن

دیوان/سالاری

نفت‌کش

افول

متین

مخل

هاون

جبه

خرقه

شنل

عبا

سبع

سبعانه

ددمنش

احسن

پالیز

مشارالیه

متانت

سریر

مابعدالطبیعه

بساوایی

ثنا

وِرد

جلی

لوث

صلات

صلوات

فرمانرو

مفاد

واهمه

تطهیر

استغاثه

التماس

تضرع

نیایش

رکعت

قاعدگی

دشتان

حیض

کدگزینی

پُستچی

نامه‌رسان

وقع

وعید

شقاق

رابط

دست‌فروش

خفن

ببر

نسوار

ناسی

اجابت

تلبیه

لبیک

بلا

عرفان

مفصل/انگشت

ضاله

محال‌

ارغه

حرامخوار

مفتخور

قبض/روح

صورت‌غذا

بی‌روح

انفراد

بهداری

محوی

صامت

تجسس

اردیبهشت

فروردین

خرداد

مرداد

شهریور

مِهر

آبان

دی

بهمن

اسفند

سرک/داشتن

ضمان

موجه

طاقت

مکرمت

ژکیدن

راه‍راه

بزن/بزن

کل/کل

بخور/بخور

فس/فس/کردن

فین/فین/کردن

چپ/چپ/نگاه/کردن

پر/پر/کردن

نم/نم/باریدن

هل/هلکی

نق/نق/کردن

زور/زورکی

غرغرو

خوش/خوشک

فس/فسو

نق/نقو

شل/و/ول

جمع/و/جور

خرت/و/پرت

تق/و/لق

پرت/و/پلا

چرب/و/چیلی

قروقاتی

تخلص

رقعه

پینه

ستبر

وصله

رقع

سمندر

گرز

عصا

دستوار

دادسرا

جوشکاری

تکوین

رهنمود

سردبیر

مهلک

تحکم

تعدی/( تعدی/کردن)

زور/گفتن

استکبار

تبصر

کبودی

کوفتگی

مروج

قشو

تیمار

شیوه/نامه

تعدد

مضراب

زخمه

دوتار

چگور

دَمبوره

منافات

جبار

اِعسار

دِین/دیون

بادکنک

سخیف

عقده

حرص/خوردن

دولا

یارانه‌

گور/گم/کردن

کچل/کردن

حاضر/جواب

عمت

درکردن

زر/زدن

کاسه‌سیاه

دوتا

نمود

بغض

کینه/توز

سرکوفته

زاگ

رایانامه‌

سرواژه‌

سرنام

بهامهر

مرورگر

رخنه‌گر

هکر

هدر

سهر

اضمحلال

نشاط

ذوق

آغشته

جا/زدن

ابتذال

مصدوم

غسالخانه

مبرم

مایحتاج

پانسمان

پیرنگ

ملودرام

ماشه

رایانش

ثدیه

تلویحا

سربسته

اجمال

مجمل

عنوان/شدن